

۷. برنامه‌های تربیتی و اخلاقی برای خود داشته باشد..... ۳۷
۸. با اخلاق و رفتار خوب با مردم معاشرت کند ۳۹
۹. بهترین موقعیت خدمتگزاری ۴۰

ب. توجه به نتایج خدمتگزار بودی ۴۳

۱. رضایت خدا ۴۳
۲. برخورداری از پشتیبانی و قدرت مردم ۴۴
۳. داشتن وجدان آرام ۴۵
- برخی از مصادیق خدمتگزاری ۴۷

ج. آسیبهای خدمتگزاری ۵۰

۱. عدم مطابقت گفتار با عملکرد ۵۱
۲. تک روی در مصلحت‌اندیشی ۵۲
۳. نا امید کردن مردم ۵۴
۴. خشنود شدن از ستایش دیگران ۵۵
۵. عدم تحمل و استعفا از خدمتگزاری ۵۷
۶. منت نهادن بر خدمت شوندهگان ۶۰

تذکر: وظایف ارباب رجوع ۶۲

۱. شناخت مدیر خدمتگزار ۶۳
۲. قدر دانی و تشویق ۶۴
۳. پشتیبانی کردن از او ۶۴

بخش دوم:

احکام مدیریت و کارمند

۱. استخدام ۶۹
۲. کار، حقوق و امکانات ۷۰
 - حقوق گرفتن بدون کار کردن ۷۰
 - دریافت دو حقوق در یک ماه ۷۱
 - فوق العاده گرفتن در مرخصی ۷۱
۳. کم کاری و گرفتن حقوق اداری ۷۳
 - جبران کم کاری ۷۴
 - دیر حاضر شدن و زود رفتن ۷۵
۴. استفاده از بیت المال و اموال عمومی ۷۶
 - بودجه اختصاصی اداری ۸۰
 - ماشین اداره ۸۴
 - خانه سازمانی ۸۶
 - غذای اداره ۸۷
 - استفاده از آب و برق ۸۹
 - تلفن و امور دیگر ۹۰
 - انجام کار غیر موظف در وقت اداری ۹۴
 - انجام کار غیر موظف در وقت اداری ۹۶
 - اقامه نماز جماعت در اداره ۹۷
۵. هدایا، سفارشات ۱۰۰

- ۱۰۴..... گرفتن فوق العاده و هدیه
- ۱۰۵..... ۶. اضافه کاری
- ۱۰۵..... اضافه کار تشویقی
- ۱۰۷..... اضافه کاری در وقت اداری
- ۱۰۷..... ۷. حق الناس
- ۱۰۹..... ۸. تخلفات
- ۱۱۰..... عدم مراعات قوانین و مقررات
- ۱۱۲..... تخلف از مقررات راهنمایی و رانندگی
- ۱۱۴..... مشاهده تخلف از مافوق
- ۱۱۷..... خرید و فروش خلاف مقررات
- ۱۲۲..... خرید و فروش اجناس قاچاق
- ۱۲۳..... ۹. مسائل بانکی
- ۱۲۴..... ۱۰. مالیات و عوارض
- ۱۲۵..... سپرده‌گذاری به قصد دریافت سود
- ۱۲۶..... ۱۱. انفال و اموال عمومی
- ۱۲۸..... منابع

سخن ناشر

- از نظر اسلام، همان‌گونه که دین راهنمای اندیشه، اخلاق و عبادت است، راهنمای تصمیمات و بایدها و نبایدها در قلمرو تولید، توزیع، مصرف، مدیریت و شیوه زندگی کردن و چگونه زیستن نیز هست. رفتار روزمره فردی و اجتماعی افراد، صدها حکم واجب و مستحب و شرایط حقوقی و اخلاقی دارد که دانستن آن در سلامت روابط اجتماعی و تکامل اخلاقی و معنوی انسان‌ها اثر می‌گذارد. همچنین صدها حرام و مکروه دارد که انجام آن فضای زندگی جمعی و اسلامی را آلوده می‌سازد و ابهام آن دلهره و تردید می‌آفریند. آشنایی با احکام ویژه هر تصمیم و رفتار فردی و اجتماعی، برای همه مکلفان که موظف به گزینش، اقدام و عمل هستند ضروری و برای اهل مطالعه دانش اجتماعی و

دینی مفید است.

طرح پژوهشی «فقه و زندگی» که با سفارش «ستاد احياء امر به معروف و نهی از منکر» و نظارت علمی حجج اسلام محمد حسین فلاح زاده و محمود مهدی پور شکل گرفته، پاسخی است به نیازهای بشر در عرصه‌های مختلف زندگی.

هدف از نگارش این مجموعه آن است که فقه را از تئوری به عمل نزدیک کند و آن را با مشاغل و رفتار روزانه افراد جامعه پیوند دهد؛ تا راه تأمین سعادت و تکامل معنوی را به مسلمانان و صاحبان خرد بیاموزد.

اکنون به خاطر انتشار نوشتار دیگری از این مجموعه، خدای بزرگ را شکر کرده و امیدواریم که برای ادامه راه همچنان از حمایت‌های مالی ستاد احياء امر به معروف و نهی از منکر بهره‌مند گردیم.

خواهشمند است هر گونه نقد و نظر تجربی و علمی خود را جهت تکمیل این مجموعه با ما در میان بگذارید.

تلفکس: ۰۲۵۱-۷۷۷۵۸۰۵

انه ولی قدیر

انتشارات نورالسجاد

پیشگفتار

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

مَنْ قَضَى لِأَخِيهِ الْمُسْلِمِ حَاجَةً كَانَ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ كَمَنْ
خَدَمَ اللَّهَ عُمُرَهُ.^۱

هر کس حاجت برادر مؤمن خود را برآورده سازد،
پاداش او همانند کسی است که در تمام عمرش خدا را
خدمت کرده است.

دین مبین اسلام، که احکام و دستوراتش همان فرامین
خدای متعال است، برای انسان تعریفی ارائه کرده است که با
دیگر مکاتب متفاوت است. این تعریف نشأت گرفته از
حقیقت انسان و روحيات اوست.

تا کرامت انسان برای خودش روشن نشود و تا مسیر و
راهنما و هدف او روشن نشود، جهالت، انسان را به وادی

هلاکت می‌کشاند. پس باید دست به دامن مکتب متعالی اسلام شد و راه روشن را از آن گرفت، زیرا در این دین راه و هدف و الگو را کسی مشخص کرده که او خود انسان را با تمام صفاتش خلق نموده و او را در مسیری روشن قرار داده است.

با توجه به مطالب فوق، مدیر و کارمند خدمتگزار کسی است که انسانها را در رسیدن به هدف و شناخت الگو و مسیر هدایت، و در استفاده بهتر از نعمت‌های خدادادی، کمک کند. در رأس این مدیران، انبیا و اولیای الهی هستند.

یادمان باشد که ارزش هر مدیری به خاطر خدماتی است که ارائه می‌دهد، نه به خاطر امکاناتی که استفاده می‌کند. به همین دلیل باید مورد بازخواست قرار بگیرد. به وصیت بنیانگذار جمهوری اسلامی در این زمینه توجه کنیم که با جدیت، تمام قوا را در این زمینه مسئول می‌داند:

«به مجلس و دولت و دست‌اندرکاران توصیه می‌کنم که قدر این ملت را بدانند و در خدمتگزاری به آنان خصوصا مستضعفان و محرومان و ستمدیدگان که نور چشم ما و اولیای نعم ما

هستند و جمهوری اسلامی ره آورد آنان و با فداکاریهای آنان تحقق پیدا کرد و بقای آن نیز مرهون خدمات آنان است فرو گذار نکنند. . . از گناهان بزرگ و نابخشودنی مسامحه در امر مسلمین است. هر کس به مقدار توانش و حیطة نفوذش لازم است در خدمت اسلام و میهن باشد.^۱

توصیه مقام معظم رهبری به مدیران

این مسئولیت و منصبی که در نظام اسلامی داریم، طعمه و سرمایه و کاسبی نیست، اشتباه نشود، مسئولیت در نظام اسلامی باری بر دوش انسان است که باید آن را به خاطر هدف و نیتی تحمل کند. در این راه از خیلی چیزها باید گذشت؛ نه فقط از شهوات حرام، بلکه از شهوات حلال نیز باید گذشت.

مسئول نظام اسلامی، مسئولی است که برای مردم و در راه خداست، برای هوی و منافع شخصی خود نیست.^۲

۱. وصیت نامه امام خمینی رحمه الله

۲. همانجا، شماره ۱۳۶ - ۱۳۸۵ ص ۸-۹

پرهیز از اشرافی‌گری

کمتر خرج کنیم، کمتر بذل و بخشش بیجا کنیم، کمتر به زندگی شخصی خودمان پردازیم، مثل عروسی اشراف عروسی بگیریم، مثل خانه اشراف خانه درست کنیم، مثل حرکت اشراف در خیابان‌ها حرکت کنیم، اشراف مگر چگونه بودند؟ چون آنها فقط ریششان تراشیده بود، ولی ما ریشمان را گذاشته‌ایم؟!^۱

مسئولین نظام اسلامی حق ندارند زندگیشان را با اعیان و اشراف و متمکنان و با منحرفان اندازه‌گیری کنند. تغییر دکوراسیون اتاق مدیر کل و معاون وزیر و وزیر و فلان مسئول قضایی و فلان مسئول در بخش‌های گوناگون دیگر باشد، این جرم و خطاست. اگر ما دنبال مسائل خودمان رفتیم، به فکر زندگی شخصی خودمان افتادیم، دنبال تجملات و تشریفاتمان رفتیم، در خرج کردن بیت‌المال هیچ حدی برای خودمان قائل نشدیم، مگر حدی که در دسر قضایی کنده هر چه توانستیم خرج کردیم، مگر اعتماد مردم باقی می‌ماند؟!^۲

۱. همان.

۲. همان.

رعایت بیت المال

هر کس که بیت‌المال مسلمین را ملک خود به حساب می‌آورد، یا به زبان بگوید و یا اگر نگوید در عمل اینطور وانمود کند که ما این قدرها حق داریم و با بیت‌المال مثل اموال خود رفتار کند، یا بخورد یا ببخشد یا در راه اغراض شخصی از آن استفاده کند، نمی‌تواند دنباله‌روی علی به حساب بیاید. ما مسئولان وظیفه و تکلیف داریم که خودمان را با رفتار امیرالمومنین تطبیق دهیم و جهت حرکت خودمان را با او بسنجیم، آحاد مردم هم همین تکلیف را دارند. کسی که امکانات شخصی دارد، حق ندارد از امکانات دولتی استفاده کند. من الآن اعلام می‌کنم و قبلاً هم نوشتم و این را گفتم، آن وقتی که آقایان امکانات شخصی دارند، حق ندارند از امکانات دولتی استفاده کنند؛ اگر ماشین دارید آن را سوار شوید و به وزارتخانه و محل کارتان بیایید، ماشین دولتی یعنی چه!

والله اگر من از طرف مردم مورد ملامت قرار نمی‌گرفتم

که مرتب ملاحظه جهات امنیتی را توصیه می‌کنند، بنده با ماشین پیکان بیرون می‌آمدم.^۱

ساده زیستی مسئولان

این فرهنگ غلطی است که هر کس در مسئولیت‌های دولتی به مقام و مسئولیتی رسید، باید فلان طور وسیله رفت و آمد، یا فلان طور امکانات زندگی داشته باشد. فرض بفرمایید اگر از لحاظ کیفیت آرایش محل زندگی و محل کار، کیفیت زندگی در درون خانواده، چگونگی ازدواج فرزندان، مهریه‌ها، جهیزیه‌ها و از این قبیل چیزها، وقتی به وسیله یک نفر در سطح عالی و در میان صاحبان مناصب حکومت اسلامی، به شکل غیر اسلامی آن، به معنای مسرفانه انجام بگیرد، این می‌شود فرهنگ، بقیه نگاه می‌کنند و یاد می‌گیرند، مهریه‌ها بالا می‌رود، ازدواج‌ها مشکل می‌شود، زندگی سخت می‌شود و همین رفتار به تدریج آثارش در طول مدتی کوتاه یا بلند در متن جامعه منعکس می‌شود.^۲

آن انعکاس تجمل شما در زندگی مردم است، بعضی‌ها از این غفلت می‌کنند، وقتی شما جلوی چشم مردم وضع اتاق و دفتر و محیط کار و محیط زندگی را آنچنان می‌کنید، این یک درس عملی است و هر کسی این را می‌بیند بر او اثر می‌گذارد، حداقل این را باید رعایت کرد، کار خود را خدمت و وسیله تقرب الی الله بدانید و برای خدا کار کنید، هرچه می‌توانید از ضعف کارهای خودتان کم کنید، هر چه می‌توانید احساسات و خواست شخصی را در محیط کار دخالت ندهید.^۱

پیرنگ آریب ای اخلال

بریت دکدهندی

بخش اول

بایسته‌ها و آسیب‌های اخلاقی

مدیریت و کارمندی

الف. بایسته‌های اخلاقی مدیریت و کارمندی

۱. توجه به ارزش خدمتگزاری داشته باشد

قال رسول الله (ص):

مَنْ سَعَى فِي حَاجَةِ أَخِيهِ الْمُؤْمِنِ فَكَأَنَّمَا عَبْدُ اللَّهِ تَسَعَةً
آلافِ سَنَةٍ صَائِماً نَهَارَهُ، قَائِماً لَيْلَهُ.^۱

پیامبر اکرم (ص) فرمودند: کسی که در برآوردن حاجت برادر مؤمنش تلاش نماید، مانند کسی است که نه هزار سال خدا را عبادت کرده، در حالی که روزها روزه و شبها مشغول عبادت بوده است.

قرآن کریم در مورد پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید:

لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ
حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ وَبِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ.^۲

«رسولی از خودتان به سوی شما آمد که رنجهای شما بر او سخت است و بر هدایت شما اصرار دارد و نسبت به مؤمنان بسیار مهربان است.»

در روایات مشهور وارد شده که انسانها عائله خداوند

هستند، کسی که به عائله خداوند خدمت کند به خداوند خدمت کرده است. مدیر نمی‌تواند خدمتگزار باشد، مگر این که خود را در محضر خدای متعال ببیند و خود را مسئول پاسخگویی به مردم بداند، زیرا مدیریت از حقوق مردم است نه از حقوق شخصی. کلمات آن پیر خدمتگزار چقدر زیباست و چگونه خود را حاضر در محضر حق می‌داند، آن جا که می‌فرمایند:

«وظیفه ما و همه دست‌اندرکاران است که به این مردم خدمت کنیم و در غم و شادی و مشکلات آنان شریک باشیم. گمان نمی‌کنم عبادتی بالاتر از خدمت به محرومین وجود داشته باشد»^۱

«ما نباید در ادای وظیفه منتظر نتیجه قطعیه باشیم. اگر در محضر مقدس حق تعالی عامل به وظیفه معرفی شویم، همین نتیجه است».^۲

باز می‌فرماید:

«باید تمام اموری که انجام می‌دهید متوجه باشید که در

۱. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۲۴۲.

۲. صحیفه نور، بیست و نهم اسفند ۱۳۴۷، خطاب به آقای سید محمد رضا سعیدی (نجف)

محضر خداست و مسئولیت شما دارید. مسئولین اینجا هم دارند لکن آن مهمش مسئولیت الهی است. یا فرض بفرمائید - که هر یک از این ادارات دولتی که هست که می‌خواهند خدمت کنند به مردم، از آن کسی که دم در هست، پیش خدمت هست تا آنجایی که جای رئیس هست، باید توجه داشته باشند که همه خدمتگزار این مردم هستند، همه اجیر این مردم هستند، اجرت از اینها دارند می‌گیرند برای خدمت و باید با مردم رفتارشان انسانی، اسلامی باشد.^۱

«شما هیچ توقعی ندارید، شما همان خدمتگزار برای اسلام بودید، حالا هم هستید. هیچکدام توقع ندارید به اینکه چه بشوید و چه بشوید. خدمت را شما کردید و بعد هم شما می‌کنید.»^۲

«خدمتگزار حق باشیم، هر چه نعمت خدا به ما داده است در خدمت او صرف کنیم.»^۳

ارزش خدمتگزاری در اسلام تا آن اندازه است که مقام معظم رهبری اعتبار و آبروی خدمتگزار را به خاطر

۱. همان، ج ۱۶، ص ۴۱۲

۲. همان، ج ۷، ص ۳۳۳

۳. همان، ج ۱۲، ص ۳۵۴

خدمتگزاری به مردم می‌داند و می‌فرمایند:

«در نظام اسلامی، ما مسئولان خدمتگزار و نوکر مردم هستیم و اعتبار و آبروی خود را از خدمتگزاری به مردم کسب می‌کنیم.»^۱

پس مدیری در دلبخور مردم است که قدر و ارزش مدیریت را بداند.

انسانها سرمایه‌های اصلی سازمانها در دنیا هستند، بهترین مدیران، کسانی هستند که به بهترین وجه آنان را بسیج نموده و در جهت اهداف خود بکار بگیرند.

۲. اعتقاد مدیر به «ولی نعمت بودن مردم»

مقام معظم رهبری:

تمام کسانی که در دستگاههای دولتی به کار اشتغال دارند، چه در سطح مدیریتها و چه در سطح کارشناسان و یا کارمندان عادی دولت؛ اجیر دولت محسوب می‌شوند و دولت نیز از بودجه عمومی که متعلق به عموم مردم است اجرت آنان را پرداخت می‌کند و در حقیقت تمامی آنها

اجیران مردم به شمار می‌روند و چنین کسی باید تمام همت و تلاشش مصروف به کسب رضایت کسی که او را به اجاره گرفته است باشد و زشت است که نسبت به او فخر فروشی و تندخویی کند و باید در همه حال خود را خدمت‌گزار مردم بداند، «در روایات وارد شده که والی و حاکم اسلامی در همه سطوح (وزیر، استاندار، بالاتر و پایین‌تر، همه مشمولان این جمله هستند) با مردم باید مثل پدر مهربان نسبت به فرزندان باشد. اگر به شما خبر برسد که فرزندان از بیماری سرما، گرما، گرسنگی، تحقیر، اهانت و غربت رنج می‌کشند، چه حالی پیدا می‌کنید؟ می‌توانید تحمل کنید؟ در سطح کشور نسبت به هرکس چنین اتفاقی بیفتد، تا آن جا که شما علم و اطلاع دارید، باید همین احساس را داشته باشید، نباید آرام و قرار داشته باشید. نهضت خدمت‌رسانی یعنی این.»

شهید رجایی می‌گویند:

«من مسئول هستم که نامه‌های مردم را بخوانم و جواب

دهم زیرا امید آنها به نامه‌هایشان است.»

تا مدیری مردم را دوست نداشته باشد نمی‌تواند به آنان خدمت کند، به همین دلیل خدمت کردن شوق می‌خواهد و این عشق است که تحمل سختیها را آسان می‌کند.

امام خمینی «ره»:

شمایی که می‌خواهید خدمت به این مردم بکنید و دولت که می‌خواهد خدمت به این مردم بکند و رئیس جمهور و امثال اینها که می‌خواهند خدمت به این مردم بکنند، توجه بکنند که خدمتگزارند. در دل خودشان این مطلب را ایمان بیاورند به آن که ما خدمت می‌خواهیم به این مردم بکنیم. . .

الآن هم اینهایی که جانشان را دستشان گرفتند و شما را حفاظت می‌کنند و آنهایی که در بین شهرها و در بین روستاها حفظ می‌کنند شما و مردم را، همین طبقه هستند. این طبقه‌اند که به ما الآن منت دارند و از اول منت داشتند. همین‌ها بودند که هیچ توقعی هم ندارند و هیچ وقت هم نمی‌آیند توقع کنند. شما باید توجه به این معنا بکنید که ما را اینها آورده‌اند و وکیل کرده‌اند، آورده‌اند و وزیر کرده‌اند، رئیس جمهور کرده‌اند؛ اینها ولی نعمت ما هستند و ما باید ولی نعمت

خودمان را از آن قدردانی کنیم و خدمت کنیم.^۱

۳. توفیق خدمتگزاری را از نعمتهای خدا بداند

امام حسین (علیه السلام) می فرماید:

إِنَّ حَوَائِجَ النَّاسِ إِلَيْكُمْ مِنْ نِعَمِ اللَّهِ عَلَيْكُمْ، فَلَا تَمَلُّوا
النَّعْمَ؛^۲

نیازهای مردم به شما از نعمتهای الهی برای شما است،
پس، از این نعمتها خسته و ملول نشوید.

امام علی (علیه السلام) خطاب به مالک اشتر:

از خدا بترس! از خدا بترس! به خاطر زبردستان کم
درآمدی که هیچ چاره‌ای برای تأمین زندگی ندارند، چه
بیچارگان و چه دردمندان و زمین‌گیرشدگان، زیرا این طبقه هم
قناعت دارند و هم نیازمند هستند. برای رضای خدا، آنچه خدا
از حق خود در باره آنان به تو فرمان داده بجای آور و سهمی
از بیت‌المال را که در اختیار تو هست، برای مصرف آنان منظور
دار و بخشی از درآمد غلاتی را که از سرزمین‌های اسلامی
جمع آوری می‌شود، برای فرودستان و بیچارگان هر منطقه قرار

۱. صحیفه امام، ج ۱۶، ص ۲۳

۲. بحار، ج ۱۰، ص ۷۶ - ۳۱۸، ج ۸۰

بده، زیرا آن فقیر و ناتوانی که در دورترین نقطه زندگی می‌کند، همان حقی را دارد که نزدیکترین آنان دارد؛ و تو مسئولیت رعایت حقوق هریک از آنان را بر عهده گرفته‌ای.^۱

در روایت وارد است:

هَدِيَّةُ اللَّهِ لِلْمُؤْمِنِ السَّائِلِ عَلَى بَابِهِ^۲؛ هدیه خدا به مؤمن آن است که شخص سائلی به در خانه او آید.

امام باقر (علیه السلام):

لَوْ يَعْلَمُ السَّائِلُ مَا فِي الْمَسْأَلَةِ مَا سَأَلَ أَحَدًا أَحَدًا وَلَا لَوْ يَعْلَمُ الْمُعْطِي مَا فِي الْعَطِيَةِ مَا رَدَّ أَحَدًا أَحَدًا.^۳

اگر درخواست کننده می‌دانست در تقاضا، چه ذلت و خواری هست، هرگز کسی از دیگری درخواست نمی‌کرد، و اگر عطا کننده می‌دانست چه ثوابی در انتظار اوست، تقاضای کسی را رد نمی‌کرد.

امام کاظم (علیه السلام) فرمود:

مَنْ آتَاهُ أَخُوهُ الْمُؤْمِنُ فِي حَاجَةٍ فَأَنَّمَا هِيَ مِنْ رَحْمَةِ

۱. نهج البلاغه، نامه ۵۳

۲. جامع الاخبار، فصل ۴۱، حدیث ۲۴

اللَّهُ سَاقَهَا اللَّهُ فَإِنْ فَعَلَ ذَلِكَ وَصَلَهُ بِوِلَايَتِنَا وَهِيَ
مَوْصُولَةٌ بِوِلَايَةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ.^۱

وقتی برادر مؤمنی نیاز خود را به مؤمنی عرضه می‌کند، این عرضه نعمتی است از جانب خداوند که به سوی او فرستاده شده است، پس اگر مؤمن نیاز او را برطرف نماید، این کار، او را به ولایت ما می‌رساند و او به ولایت خدا متصل می‌شود.

و باز در روایتی از امام صادق (علیه السلام) وارد است که:
«بر آوردن حاجت مؤمن فضیلتش بیشتر از هزار بار حجّی است که تمام مناسک آن قبول شده باشد و آزاد کردن یک بنده در راه خدا و مصرف بار هزار اسب در راه خدا به همراه زین و لجام آن.»^۲

امام خمینی «ره» یکی از دعاهایی که بارها تکرار می‌کردند این بود که توفیق خدمتگزاری را از خدا طلب می‌کردند:

«خداوندا! زبان ما را از لغو نگهدار، دل‌های ما را به خودت متوجه بفرما، ما را از غیر خودت منصرف بفرما، اخلاق نیک را در ما پدید بیاور، ما را در پناه امیرالمؤمنین (علیه

(السلام) از هر بدی نگهدار، ما رانست به اسلام و مسلمین خدمتگزار قرار بده.^۱

۴. مردم را از خود بداند و در خدمتگزاری به آنان شتاب کند

«اشخاص، در برابر مسائلی که به آنان رجوع می دهند سه نوع واکنش نشان می دهند: مسائل را قبول نمی کنند (وجود آن را انکار می کنند)، قبول می کنند و آنها را تحمل می کنند، قبول می کنند و سعی می کنند که آن را حل نمایند. مدیران خدمتگزار از گروه سوم هستند.»

امام صادق (علیه السلام):

«نیازمندی که به من مراجعه می کند من زود نیاز او را برطرف می کنم؛ از ترس اینکه او بی نیاز شود و این کار نیک از دستم برود.»^۲

قال الصادق (علیه السلام):

مَا آمَنَ بِاللَّهِ وَلَا بِمُحَمَّدٍ وَلَا بَعِيٍّ مَنْ إِذَا آتَاهُ أَخُوهُ
الْمُؤْمِنُ فِي حَاجَةٍ لَمْ يَضْحَكْ فِي وَجْهِهِ، فَإِنْ كَانَتْ

۱. بیست و سوم، آبان ۱۳۴۴ - (دوم رجب ۱۳۸۵)، مسجد شیخ انصاری، در جمع

حَاجَتُهُ عِنْدَهُ سَارِعٌ اِلَى قَضَائِهَا وَ اِنْ لَمْ يَكُنْ عِنْدَهُ
تَكَلَّفَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِهِ حَتَّى يَقْضِيَهَا لَهُ، فَاِذَا كَانَ بِخِلَافِ
مَا وَصَفْتُهُ فَلَا وِلَايَةَ بَيْنَنَا وَ بَيْنَهُ: ^۱

به خدا و محمد (صلی الله و علیه و آله) و علی (علیه السلام) ایمان نیاورده است، کسی که هنگام نیاز برادر مؤمنش با خوشرویی با او برخورد نکند اگر توان دارد احتیاج او را شخصاً برطرف نماید، و اگر قادر نیست با کمک دیگری مشکل او را حل کند. اگر نسبت به تقاضای برادر مؤمنی بی تفاوت باشد و به درخواست او عمل نکند، پس بین ما و او ولایتی نخواهد بود.

امام خمینی «ره»:

«وقتی با مردم به محبت رفتار کنید، مردم را از خودتان بدانید، ما (باید) خدمتگزار همه باشیم، دولت خدمتگزار همه باشد، این وجدان، خودش راحت هست، خدمتش هم خدمت به مردم است.» ^۲

امیر المؤمنین (علیه السلام) فرموده‌اند: «روا ساختن حاجت جز با سه چیز راست نیاید (کامل نشود): ۱. کوچک شمردن آن

تا (نزد پروردگار) بزرگ نماید؛ ۲. پوشیدن آن تا (هنگام پاداش) آشکار گردد؛ ۳. شتاب کردن در آن تا (برای خواهنده) گوارا شود»^۱

مقام معظم رهبری:

«خدمت رسانی منطقی دارد، ما اصلاً برای خدمت به مردم آمده‌ایم، فلسفه وجود ما خدمت به مردم است.»^۲

اگر مدیری یا کارمندی مردم را دوست نداشته باشد و آنان را از خود، مانند یک خانواده نداند، نمی‌تواند به آنان خدمت نماید، زیرا خدمتگزاری فقط با محبت و عشق به مردم شیرین می‌شود. اگر این خصوصیات را نداشته باشد نمی‌تواند خدمتگزار باشد و برای خود در محضر خدای متعال شرمندگی بوجود می‌آورد. بحمدالله امروزه مدیران و کارمندان جمهوری اسلامی با شوق و عشق وافر مشغول خدمتگزاری به مردم و آبادانی کشور هستند. خداوند همه را تأیید فرماید.

۵. هرچه مقامش بالاتر رود حس خدمتگزاری او بیشتر شود

قرآن کریم در مورد پیامبر اکرم می‌فرماید:

لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ
حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ وَبِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَّحِيمٌ^۱

رسولی از خودتان به سوی شما آمد که رنجهای شما بر او سخت است و بر هدایت شما اصرار دارد و نسبت به مؤمنان بسیار مهربان است.

امام خمینی «ره» می‌فرماید:

«گمان نکنید که شما صاحب مقام و منصب هستید باید به مردم فشار بیاورید، هر چه صاحب منصب ارشد باشد باید بیشتر خدمتگزار باشد. مردم بفهمند که هرچه درجه‌ای که این بالا می‌رود با مردم متواضعتر می‌شود.»^۲

پست و مقام از اموری است که اگر تقوای بالایی در صاحب آن وجود نداشته باشد، هم موجب سقوط صاحب مقام می‌شود و هم موجب ظلم به بندگان خدا، به همین دلیل ریشه ظلم به خود و دیگران در اثر عدم تهذیب نفس و از

طرفی وجود قدرت در اختیار نفس اماره است. در روایات دشمن‌ترین دشمنان را برای انسان، جهل انسان به خودش دانسته است. برای جلوگیری از طغیان نفس اماره که منصب و مقام و قدرت را در اختیار دارد، ذلیل کردن نفس اماره اولین گام است. امام خمینی جملات رسا و زیبایی نسبت به خود دارد:

«شما احتمال این را بدهید که اگر به من بگویید خدمتگزار، بهتر از این است که بگویید رهبر، رهبری مطرح نیست، خدمتگزاری مطرح است. اسلام ما را موظف کرده که خدمت بکنیم.»^۱

«شما رهبران نهضت هستید، بانوان رهبر نهضت ما هستید، ما دنباله آنها هستیم. من شما را به رهبری قبول دارم و خدمتگزار شما می‌ام.»^۲

۶. مقدم داشتن دیگران بر خود

«مدیر خدمتگزار، مردم را بیش از مقام خود دوست دارد، لذا در مواقع لازم مقام را فدای مردم می‌کند، زیرا ارزش باغ را به گلهای آن می‌داند.»
محدث نوری (ره):

«اما در بین فرائض و سنن، کمتر عملی داریم که در فضیلت و ثواب به زیارت امام حسین (علیه السلام) برسد، با وجود این مسأله، در اخبار دیده‌ام که ثواب برآوردن حاجت مؤمن، برتر از ثواب زیارت حضرت سیدالشهداء (علیه السلام) است.»^۱
نخستین علامت خدمتگزاری این است که اول به دیگران فکر کند بعد به خود، حتی بالاتر اینکه، خدمتگزار باید از نیاز هموعان خود آگاه باشد و خود را در دسترس آنها قرار دهد تا آنان بتوانند نیازهایشان را از او طلب کنند.

قال علی (علیه السلام):

وَلَوْ شِئْتُ لَأَهْتَدَيْتُ الطَّرِيقَ إِلَى مُصَفَّى هَذَا الْعَسَلِ وَ
لَبَابِ هَذَا الْقَمَحِ وَ نَسَائِجِ هَذَا الْقَزِّ، وَ لَكِنْ هَيْهَاتَ أَنْ

يَغْلِبْنِي هَوَايَ وَ يَغُودَتِي جَشَعِي اِلَى تَخْيِرِ الْاَطْعَمَةِ وَ
لَعْلًا بِالْحِجَازِ اَوْ الْيَمَامَةِ مَنْ لَاطَمَعَ لَهُ فِي الْقُرْصِ وَ لَا
عَهْدَ لَهُ بِالشَّيْعِ...!

اگر می خواستم، به آسانی به عسل صاف و مغز گندم و بافته های ابریشمی دست می یافتم؛ ولی هیئات که هوای نفس بتواند بر من غلبه کند و حرص شدید مرا به تهیه بهترین خوراکی ها بکشاند؛ در حالی که شاید در سرزمین پهناور حجاز و یمامه کسی باشد که امیدی به پیدا کردن قرص نانی داشته باشد و یا هرگز شکمی از غذا سیر نخورده باشد؛ آیا من با شکم پر شب را به صبح برسانم در حالی که پیرامونم شکمهایی از گرسنگی به پشت چسبیده و جگرهایی سوخته وجود داشته باشد... آیا من در باره خویشتن به همین بسنده کنم که امیر مؤمنانم بنامند بی آنکه در ناگواریهای روزگار با مردم شریک باشم! و در سختیهای زندگی، اسوه آنان نباشم؟

نخستین نشانه خدمتگزاری این است که به دیگران فکر کند، آنان را مثل خود دوست بدارد و آنان را مثل خود تحمل

کند، نیاز آنان را تشخیص داده و خود را در اختیار آنان قرار دهد. خدمت به دیگران را از روی ناچاری انجام ندهد یا نگذارد در زمان بحران خدمت کند، انگیزه خدمت را در دل و جان خود پیوردد و فرصت را مغتنم شمارد و بدون هیچ انتظاری خدمت کند.

اگر اینگونه شد، کسی است که می‌تواند به مردم خدمت کند و مردم در فراغ او اشک باران بر گونه خواهند ریخت؛ همچنانکه در فراغ مولای متقیان اینگونه نالیدند و هنوز می‌نالند.

۷. برنامه‌های تربیتی و اخلاقی برای خود داشته باشد

مقدس اردبیلی «ره»:

«برطرف کردن حاجت مؤمن بدون تردید از بجا آوردن نماز نافله برتر است، حتی از انجام طواف مستحبی خانه خدا بالاتر است، زیرا در احادیث آمده: خدمت رسانی به مؤمنان از عبادت هفتاد سال برتر است.»^۱

امام خمینی «ره» در این زمینه می‌فرماید:

«مجهز کنید خودتان را برای تحمل ناملایمات و سختیها در راه خدای متعال، ممکن است خدای نخواستہ روزهای سختی پیش آید که اگر هم اکنون خود را مهیا نکنید، تحملش بسیار سخت و ناگوار باشد. کوشش کنید حب دنیا و شهرت و جاه را سرکوب کنید که این خطر در ایام پیری بزرگترین مصائب است.»^۱

«اگر بخواهید خدمتگزار اسلام باشید، خدمتگزار ملت اسلامی باشید و اسیر در دست ابرقدرتها و آنها که پیوند با ابرقدرتها دارند نباشید، باید دانشگاه و فیضیه و همه آنها که مربوط به دانشگاه‌اند و همه آنها که مربوط به فیضیه هستند، در رأس برنامه‌های تحصیلی‌شان برنامه اخلاقی و برنامه‌های تهذیبی باشد، تا امثال مرحوم مطهری -رحمه الله- را به جامعه تقدیم کند، و اگر خدای نخواستہ بر خلاف باشد، آن وقت افراد مقابل این افراد را به جامعه می‌فرستد و اینها جامعه را به فساد می‌کشند و مردم را به اسارت.»^۲

۱. در جواب نامه آقای محمدحسین بهجتی (نجف)، نرم افزار صحیفه امام «ره»

۲. صحیفه نور، ج ۱۴، ص ۱۶۹

۸. با اخلاق و رفتار خوب با مردم معاشرت کند

قال علی (علیه السلام):

وَأَشْعِرْ قَلْبَكَ الرَّحْمَةَ لِلرَّعِيَّةِ وَالْمَحَبَّةَ لَهُمْ وَاللُّطْفَ
بِهِمْ وَلَا تَكُونَنَّ عَلَيْهِمْ سُبْعًا ضَارِيًا تَغْتَنِمُ أَكْلَهُمْ، فَإِنَّهُمْ
صَنَفَانِ: إِمَّا أَخُ لَكَ فِي الدِّينِ وَإِمَّا نَظِيرُ لَكَ فِي
الْخَلْقِ.

ای مالک! قلبت را مملو از رحمت، محبت و لطف به مردم نما، مبادا نسبت به آنان چون حیوان درنده باشی که خوردنشان را غنیمت بشماری؛ چرا که آنان دو دسته‌اند: یا برادر دینی تو هستند و یا در آفرینش مانند تو هستند.

امام خمینی «ره»:

«مبادا یک وقتی در ضمن اینکه شما خدمت را می‌کنید، یک درشتی‌ای باشد که خدمت شما را در خودش محو کند، باید اخلاق اسلامی، آداب اسلامی درست مراعات شود، همانطوری که شیوه ائمه ما و اولیای خدا و انبیای خدا بوده است که خودشان را خدمتگزار مردم می‌دیدند و با حسن

معاشرت و با رفتار انسانی، با رفتار الهی رفتار می‌کردند و کارهایی را که باید انجام بدهند، با همین حسن رفتار انجام می‌دهند و شما هم بندگان همان خدا و امت همان پیغمبر و شیعه همان امیرالمؤمنین هستید و شیوه‌های شما باید به همانطور باشد.^۱

مقام معظم رهبری:

«مسئولان با رفتار احترام‌آمیز با مردم و خدمت به آنها فضای شوق انگیزی را برای برگزاری انتخابات پرشور آماده کنند.»^۲

۹. بهترین موقعیت خدمتگزاری

بهترین زمان خدمتگزاری از جهت خدمتگذار، ایام جوانی است، زیرا قدرت انجام کار و نشاط بالاست، همچنین ساده‌تر و با زحمت کمتری مقدمات خدمتگزاری که همان تهذیب نفس است حاصل می‌شود. از جهت خدمت شونده‌گان، زمان نیازمندی آنها، و از جهت نیاز، مهمترین آنها است.

عن احمد بن عیسی قال: قَالَ لِي جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ (عليه السلام): أَنَّهُ لِيُغْرَضَ لِي صَاحِبُ الْحَاجَةِ فَأُبَادِرُ إِلَى قَضَائِهَا مَخَافَةَ أَنْ يَسْتَغْنِي عَنْهَا صَاحِبُهَا.

امام صادق (علیه السلام) می فرمایند:

نیازمندی که به من مراجعه می کند من زود نیا ز او را برطرف میکنم از ترس اینکه او بی نیاز شود و این کار نیک از دستم برود.

امام خمینی «ره» می فرمایند:

«چند روزی از عمر من باقی نیست... شما آقایان که نعمت جوانی را واجد هستید چیزی نمی گذرد که به پیری خواهید رسید، نگذارید جوانی از دست برود و کوشش کنید در خدمت به خالق و خلق و جلب رضای مولا جلالت قدرته- در جوانی تهذیب نفس بسیار اسهل است و از ایام پیری و ضعف که قدرت از دست می رود و ریشه اخلاق فاسده، که اصلش از حب دنیا و نفس است، استحکام پیدا

می‌کند، تصفیه و تهذیب بسیار مشکل می‌شود. اگر این نفس ستمگر بگذارد که انسان لذت خدمتگزاری را بچشد از خدمتگزاری کوتاه‌تری نمی‌کند، چون تزکیه نیست از این لذت دور است.

ب. توجه به نتایج خدمتگزار بودی

باید در خیر رساندن به برادران خود با یکدیگر مسابقه گذاشت. در این صورت است که فرشتگان آسمان برای او نزد پروردگارش استغفار و دعا کنند تا حاجات او برآورده شود؛ با این عمل خدا و پیامبرش را شاد کرده است. یک نفر مدیر یا کارمند، چنانچه به نتیجه خدمتش فکر کند و بداند که چه ثواب و پاداش اخروی در انتظار اوست، لحظه‌ای از خدمت به خلق خدا خسته نشده و همواره در پی تلاش بیشتر خواهد بود. برخی از ثمرات خدمت به خلق خدا عبارتند از:

۱. رضایت خدا

امام خمینی «ره» در این مورد می‌فرماید:
 «ما نباید در ادای وظیفه منتظر نتیجه قطعی باشیم. اگر در محضر مقدس حق تعالی عامل به وظیفه معرفی شویم، همین نتیجه است».^۱

۱. صحیفه نور؛ بیست و نهم اسفند ۱۳۴۷، خطاب به آقای سید محمد رضا

اگر مدیری بداند نتیجه خدمات او خشنودی خدای متعال است و این خشنودی چه اثراتی دارد، در گرفتاریهای مردم سخت متأثر شده و در انجام خدمت به آنان کمال آرامش را پیدا می‌کند. امام خمینی با توجه به ارزش خدمتگزاری به مردم در دین مقدس اسلام، فدا شدن در این راه را سزاوار می‌داند و می‌فرماید:

«اینجانب از اوضاع ایران عموماً و از وضع حوزه قم خصوصاً متألم و متأثرم و از گرفتاری فضلاء و اعلام ناراحت؛ ولی آنچه موجب تسکین خاطر است آن است که در راه خدمت به دیانت، هر گرفتاری پیش آید مطلوب است، و ما آنچه داریم از برکت اسلام است و هر چه فدا کنیم عمل به وظیفه نکرده‌ایم.»^۱

۲. برخورداری از پشتیبانی و قدرت مردم

امام خمینی «ره»:

«دولتها اگر چنانچه با مردم تفاهم کنند و خدمتگزار مردم باشند، مردم پشتیبان آنها هستند و شکست برای آنها دیگر

نیست.»^۱ باز می فرماید:

«اگر ملت و دولت هر دو با هم باشند، دوست باشند، اینها خودشان را خدمتگزار آنها بدانند، آنها خودشان را پشتیبان اینها بدانند، هر دو به هم خدمت بخواهند بکنند، یک همچو ملت و دولتی هیچ وقت شکست نخواهد خورد.»^۲

پیامبر اکرم (ص):

کسی که نیاز برادر دینی خود را بر طرف نماید، من در موقع سنجش اعمال او حاضر خواهم شد، اگر موفق بود که مطلوب حاصل است و آلا او را شفاعت می کنم.^۳

۳. داشتن وجدان آرام

امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«در خیر رساندن به برادران خود با یکدیگر مسابقه گذارید و اهل خدمت رسانی باشید، زیرا در بهشت دری است بنام «معروف»، از آن نمی گذرد مگر کسی که در زندگی اهل خیر و نیکی باشد. پس خداوند، دو فرشته از راست و

۱. صحیفه نور، ج ۹ ص ۴۲

۲. همان، ص ۱۴۵

چپ بر او می‌گمارد تا برای او نزد پروردگارش استغفار و دعا کنند تا حاجات او برآورده شود. سپس فرمود: به خدا قسم، پیامبر اکرم (ص) از خود صاحب حاجت بیشتر خوشحال می‌شود، وقتی مؤمن به حاجتش برسد.^۱

امام خمینی «ره»:

«وقتی با مردم خوبی کردید، محبت کردید، خدمتگزار به مردم بودید، وقتی که بروید شب منزل، آرامش برای قلبتان هست، وجدانتان ناراحت نیست.»^۲ و باز می‌فرمایند:

«وقتی با مردم به محبت رفتار کنید، مردم را از خودتان بدانید، ما خدمتگزار همه باشیم، دولت خدمتگزار همه باشد، این وجدان، خودش راحت هست، خدمتش هم خدمت به مردم است.»^۳

با توجه به مطالب فوق این نکته روشن می‌شود که مدیر اگر خدمتگزار شد، با نگاهی به آنچه از عمر گذرانده است، دلی آرام دارد و نگرانی او تنها این است که ای کاش خدمت

۱. اصول کافی، ج ۲، ص ۱۹۵؛ وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۵۷۸، حدیث ۶

بیشتر ارائه می‌داد تا بیشتر رضای خدای متعال را جلب می‌کرد، حال اگر نقطه مقابل آن را مشاهده کرد، یعنی عدم خدمت بلکه کوتاهی و خدای ناکرده خیانت، چه حالی به او دست می‌دهد؟ اضطراب شدید سراسر وجود او را می‌گیرد که فرصت را از دست داده و باید پاسخگو باشد. پس حکم عقل بر این است که تا فرصت باقی است مانند خدمت به فرزندان خود، به مردم خدمت کند و آنها را مانند اولاد خود دوست بدارد، و کسی که اینگونه شد همیشه خود را به مردم بدهکار می‌داند و سعی در انجام وظیفه می‌نماید.

برخی از مصادیق خدمتگزاری

خدمتگزاری در هر جا و هر زمان ممکن است، پس مصادیق خدمتگزاری محدود نیستند، مهمترین آنها آن است که برای انسان ممکن است انجام دهد و اولویت بندی کند. به عنوان مثال: روز ۸۳/۱/۱۲ در خیابانی از اصفهان راه می‌رفتم، پیر مردی را دیدم که نان سنگگ خریده بود و در چهارراه شلوغی نشسته بود و تکه می‌کرد و به بچه‌ها می‌داد. سؤال کردم این مرد چه کاره است؟ گفتند این کار هر روز اوست.

این کار شاید به نظر خیلی کوچک آید، ولی خدا می‌داند چه مشکلاتی را از مردم می‌تواند حل کند، مانند رفع گرسنگی یک کودک یا رفع بهانه گرسنگی او و امثال آنها.

از امیر المؤمنین (علیه السلام) پرسیده شد:

أَيُّ النَّاسِ أَحَبُّ إِلَيْكُمْ؟ قَالَ: أَنْفَعُ النَّاسِ لِلنَّاسِ. قِيلَ:
فَأَيُّ الْأَعْمَالِ أَفْضَلُ؟ قَالَ: إِذْ خَالَكَ السُّرُورُ عَلَى
الْمُؤْمِنِ. قِيلَ: وَمَا سُرُورُ الْمُؤْمِنِ؟ قَالَ: إِشْبَاعُ جُوعَتِهِ
وَ تَنْفِيسُ كُرْبَتِهِ وَ قَضَاءُ دَيْنِهِ وَ مَنْ مَشَى مَعَ أَخِيهِ فِي
حَاجَةٍ كَانَ كَصِيَامِ شَهْرٍ وَ اعْتِكَافٍ وَ مَنْ مَشَى مَعَ
مَظْلُومٍ يُعِينُهُ ثَبَتَ اللَّهُ قَدَمَيْهِ يَوْمَ تَزِلُّ الْأَقْدَامُ.^۱

چه کسی نزد شما از همه محبوبتر است؟ حضرت فرمودند: سودمندترین مردم برای دیگران. پرسیده شد: کدام یک از اعمال برتر است؟ فرمودند: خوشحال کردن مؤمن. پرسیده شد: خوشحال کردن مؤمن چگونه است؟ فرمودند: سیر کردن شکم او و برآوردن حاجتش و ادا نمودن قرض‌های او، هر کس در بجا آوردن حاجت برادر مؤمنش قدمی بردارد، گویا یک ماه روزه گرفته و

معتکف شده و هر کس در جهت یاری مظلومی
 قدم بردارد، خداوند قدمهایش را در روزی که
 قدمها لرزاناند، استوار می‌گرداند.

مقام معظم رهبری:

«مسئولان باید با پاسداری از ارزشهای کاری نظیر:
 جدیت، امانتداری، اولویت بندی، کارآیی، پاکدامنی، مصرف
 بهینه منابع و مبارزه با فساد، وظیفه سنگین خدمت به مردم را
 هرچه بهتر انجام دهند»^۱.

ج. آسیبهای خدمتگزاری

یکی از مهمترین مسائل اجتماعی در زندگی یک مسلمان، وظیفه خدمت رسانی به برادران ایمانی است که به انحاء مختلف در دین مورد تأکید قرار گرفته است و هدف از آن هم بخوبی در کلام امیر مؤمنان بیان شده است:

اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَعْلَمُ أَنَّهُ لَمْ يَكُنِ الَّذِي كَانَ مِنَّا مُنَافَسَةً فِي
 سُلْطَانٍ، رَلَا التَّمَّاسَ شَيْءٌ مِنْ قُضُولِ الْحُطَّامِ وَ لَكِنْ
 لِنَرْدِ الْمَعَالِمِ مِنْ دِينِكَ، وَ نَظْهِرِ الْأِصْلَاحَ فِي بِلَادِكَ
 فَيَأْمَنَ الْمَظْلُومُونَ مِنْ عِبَادِكَ وَ تَقَامَ الْمُعْطَلَةُ مِنْ
 حُدُودِكَ!

خدایا، تو می دانی آنچه از ما صادر شد (اقدام به برقراری حکومت) به خاطر رغبت در حکومت یا به دست آوردن مال دنیا نیست، بلکه برای این است که نشانه های دین تو را باز گردانیم و اصلاح را در شهرهای آشکار سازیم تا بندگان ستم دیده های امنیت یابند و مقررات فراموش شده های، اجرا شود.

گاهی خدمتگزاری دچار آسیب می شود و به زمینه های

تباهی تبدیل می‌شود. این آسیبها عبارتند از:

۱. عدم مطابقت گفتار با عملکرد

عدم مطابقت گفتار با عمل به خاطر برخی رذائل اخلاقی است و آن در نفس مدیر یا کارمندی ریشه زده است که در جهت تهذیب نفس قدمی برنداشته است. می‌بایست قبل از قبول مسئولیت آنها را از نفس خود دور می‌کرد، ولی موفق نشده و الآن تیغ به‌دست زنگی مست داده و اعمال او نتیجه تأثیرات آن ملکات فاسده است. به همین دلیل تا تهذیب صورت نگرفته باشد قبول مسئولیت خطرناک و مفسده‌آور است. پس تزکیه مقدم بر تعلیم و قبول مسئولیت است. تزکیه مسئولیت و علم را هدایت می‌کند تا در مسیر صحیح خود قرار گیرد.

امام خمینی «ره»:

«آقا دولت مال مردم است، بودجه مملکت از جیب مردم است. شما نوکر مردم هستید، دولتها خدمتگزار مردمند. هی لفظاً نگویند من خدمتگزار و عملاً تو سر مردم بزیند و این اربابهای بیچاره‌تان را پایمال کنید. خوب شما از بودجه

مملکت دارید ارتزاق می کنید، دارید زندگی مرفه می کنید...»^۱
و باز می فرمایند:

«اینها نمی دانم چه جور مردمی هستند؟ خودشان را به اسم خدمتگزار جا می زنند لکن دائماً بر خلاف مسیر قدم بر می دارند و قدمهایشان بر خلاف مسیر ملت است، کارشکنی می کنند، مردم را به یأس می کشانند.»^۲

۲. تک روی در مصلحت اندیشی

امیر المؤمنین (علیه السلام) می فرمایند:

فَلَا تَكْفُوا عَن مَّقَالَةٍ بِحَقِّ أَوْ مَشُورَةٍ بَعْدَلٍ، فَإِنَّ لِسْتَ
فِي نَفْسِي بِفَوْقَ أَنْ أُخْطِي، وَ لَا أَمَّنُ ذَلِكَ مِنْ فِعْلِي
إِلَّا أَنْ يَكْفِيَ اللَّهُ مِنْ نَفْسِي مَا هُوَ أَمْلَكُ بِهِ مِنِّي.^۳

پس، از گفتن حق یا مشورت در عدالت خود داری
نکنید، زیرا خود را برتر از آن که اشتباه کنم و یا از
آن ایمن باشم، نمی دانم مگر آنکه خداوند مرا حفظ
کند.

۱. صحیفه نور، ج ۱، ص ۲۸۵

۲. همان، ج ۱۱، ص ۱۰

امام خمینی «ره»:

«انسان خیال می‌کند که نه، من برای مصلحت این کار را می‌کنم، عمر خودش را انسان نمی‌فهمد، وضع خودش را انسان نمی‌فهمد- شما اگر بخواهید مقایسه کنید- شمایی که می‌گویید که من برای مصلحت مسلمین فلان کار را می‌کنم، شما فکر این را در خلوت بکنید که اگر یک کس دیگری به جای شما بود و بهتر هم مصالح مسلمین را انجام می‌داد، شما باز همانطور بودید؟ می‌خواستید خودتان نباشید و او باشد؟ یا نه می‌خواهید که این مصلحت مسلمین- به اصطلاحتان- به دست شما انجام گیرد؟ منم که این مصلحت را دارم ایجاد می‌کنم، این همان شیطان است.»^۱

آنچه مهم است این است که این «منیت» از انسان دور شود تا او بتواند نور ایمان را در دل خود جای دهد، این را بدانند که در نظراتش خطا بسیار است و مسئول پاسخگویی به آنهاست. پس از گوهر مشورت کمال بهره برداری را بنماید تا خطای او به حداقل برسد، همچنانکه امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمود: منم از خطا مصون نیستم، مگر با عنایت خداوند

متعال. مناسب است به احادیث و گفته‌های نورانی ائمه (علیهم السلام)، در زمینه مشورت، رجوع کرد تا روشن شود فواید آن از زبان مبارک اهل بیت (علیهم السلام) چه اندازه است.

ما یک عقل داریم و یک کمال عقل. عقل عادی مصطلح همان است که در توده مردم وجود دارد و شرط تکلیف است، ولی آنجا که کارهای تخصصی را بخواهند به کسی واگذار کنند عاقل بودن او کافی نیست، بلکه کمال عقل را لازم دارد... می‌گویند باید قاضی دارای کمال عقل باشد، و به اصطلاح اجتهاد در عقل لازم است^۱. یک مدیر باید بداند که از نشانه‌های کمال عقل استفاده از عقول دیگران در تصمیم‌گیری است.

۳. نا امید کردن مردم

ابراز حاجت به هر کس که باشد، نشانه امید داشتن به او در برآورده شدن حاجت است، یعنی صاحب حاجت امیدوار است. حال اگر حاجت را به نزد مدیر آورد مایوس برگشت، آن امید از بین رفته و به یأس تبدیل می‌شود. در این صورت دیگر حاجتی به او ارائه نخواهد شد و این بدترین نوع

برخورد بین مدیر و مردم است که مورد غضب خداوند است.
امام صادق (علیه السلام) می فرمایند:

«در اثبات اعتماد به برادر دینی، همین بس که شخص
حاجت مند، حاجت خود را نزد او آورد.»^۱

نتیجه اینکه، مدیر در اثر عدم خدمت به برادران دینی
خود، اعتماد آنان، که مهمترین سرمایه و دژ محکم او در برابر
دشمنان است، را از دست می دهد و چاره ای جز زبون بودن
برای حفظ قدرت ندارد، چون پشتوانه ندارد.

مدیر خدمتگزار به خدا تکیه داده و از قدرت بیکران مردم
برخوردار است، زیرا خداوند فرموده است که: هرکس بین
خود و خدای خویش را اصلاح نماید، خدا بین او و مردم را
اصلاح می کند.^۲

۴. خشنود شدن از ستایش دیگران

امیرالمؤمنین (علیه السلام) می فرمایند:

«مردم! از پست ترین حالات زمامداران نزد صالحان این

است که گمان برند آنان دوستار ستایشند، و کشورداری آنان بر کبر و خودپسندی استوار باشد. من خوش ندارم در خاطر شما بگذرد که من ستایش را دوست دارم و خواهان شنیدن آن می‌باشم. سپاس خداوند را که چنین نبودم. ^۱

امام خمینی «ره»:

«اگر همه شماها، خدمتگزار، خودتان را حساب بکنید، نخواهید که هی به شما مدح بگویند و ثنا کنند. ^۲

این یکی از آفات بزرگ اخلاقی است که خدمتگزار خشنود به مداحی برای او شوند و عده‌ای چرب زبان که گرد شیرینی جمع شده باشند شریک قدرت بلکه تاراجگر بیت‌المال گردند. چه بگویم از این افراد که عدالت با آن زیبایی را ناجوانمردانه قربانی مطامع کوچک خود کرده و صفت بسیار نیک خدمتگزاری را نابود می‌کنند.

کسی که مداحی دیگران را در مورد خودش بپسندد، خشنودی خود را بر خشنودی خدا ترجیح داده است و در این حالت خدا را فراموش می‌کند و خدا هم او را فراموش

خواهد کرد، و چه عذابی بالاتر از این که خدا انسان را فراموش کند!

گاهی ستایش به صورت آوردن هدایا تحقق پیدا می‌کند. این مدیر است که راه را بر اینگونه افراد ببندد. در این زمینه داستان «اشعث بن قیس» با هدیه‌ای که برای امیرالمؤمنین (علیه السلام) آورد و خشم و نفرین امام را دید، قابل دقت است.^۱ آفت خودبینی آفت فراگیری است که همه به آن مبتلا هستند، مگر افرادی که مورد لطف حق قرار گرفته‌اند و موفق به کنترل این صفت و آثار زیانبار آن شده‌اند. از علامتهای روشن آن این است که در هدایت و راهنمایی مردم، همیشه خود را مطرح و به عنوان الگو معرفی می‌نمایند، از اوصاف خود سخن به میان می‌آورند.

۵. عدم تحمل و استعفا از خدمتگزاری

حقیقت این است که خدمتگزاری زحمت دارد و تحمل می‌خواهد، زیرا سوختن است برای ساختن، و در مقابل همین زحمت است که خداوند اجر جزیل به خدمتگزار عنایت

می‌کند. آنچه بندگان خدا دریافت می‌کنند نتیجه اعمال خودشان است نه غیر آن. خدمتگزار دلخوش به حضور خداست و فقط او را می‌بیند، در این صورت است که سرزنش خار مغیلان هم برای او شیرین است، زیرا تلخی خدمت با شیرینی رضا و خشنودی خدا جبران می‌شود.

امیر المؤمنین علی (علیه السلام) می‌فرماید:

لَا يُزْهَدُكَ فِي الْمَعْرُوفِ مَنْ لَا يَشْكُرُهُ لَكَ فَقَدْ
 يَشْكُرُكَ عَلَيْهِ مَنْ لَا يَسْتَمْتِعُ بِشَيْءٍ مِنْهُ وَقَدْ تُدْرِكُ
 مِنْ شُكْرِ الشَّاكِرِ أَكْثَرَ مِمَّا أَضَاعَ الْكَافِرُ، وَاللَّهُ يُحِبُّ
 الْمُحْسِنِينَ.

مبادا ناسپاسی این و آن تو را از خدمتگزاری دلسرد کند! ای بسا افرادی که بدون بهره‌مندی از کار تو، از تو تعریف می‌کنند، و از سپاس سپاسگزاران بیش از نا-سپاسی ناسپاسان بهره‌مند می‌شوی و خداوند دوستدار نیکوکاران است.

امام خمینی «ره»:

«هر کس خود را مدیر و مدبر و خدمتگزار برای خلق

خدا می‌داند، کناره‌گیری او در این زمان پشت به خلق و خدای خلق است، مگر آنکه خدمتگزاری بهتر یا هم‌تراز او جایگزین او معرفی شود.^۱

مقام معظم رهبری:

«کسی نمی‌تواند به علت مخالفت با یک روش یا یک پدیده، وظایف قانونی خود را انجام ندهد و شانه خالی کردن از مسئولیت به شکل استعفا یا به هر شکل دیگر، خلاف قانون و هم حرام شرعی است.^۲

نهضت خدمت‌رسانی به مردم یک مبارزه بزرگ و سنگین است. زیرا خدمت‌رسانی به عموم مردم با منافع بعضی گروه‌های خاص تضاد پیدا می‌کند و اینجاست که باید با مبارزه و همت و عزم راسخ وارد میدان شد. . . امروز در کشور، رقابت مشروع و مقبول از نظر مردم و ما، فقط رقابت برای خدمت کردن به مردم است.^۳

۱. صحیفه نور، ج ۱۹، ص ۱۵۷؛ این در شرایطی بود که کار اجرایی بسیار دشوار و رعایت حدود شرعی دشوارتر بود. البته در همه زمانها این مسأله صادق است که کار برای خدا سخت و اجر بزرگ هم دارد.

۶. منت نهادن بر خدمت شوندگان

قال علیؑ (علیه السلام):

إِيَّاكَ وَالْمَنْ عَلَى رِعْيَتِكَ بِإِحْسَانِكَ، وَالتَّزْيِيدَ فِيمَا
كَانَ مِنْ فِعْلِكَ... فَإِنَّ الْمَنْ يُبْطِلُ الْإِحْسَانَ وَالتَّزْيِيدَ
يَذْهَبُ بِنُورِ الْحَقِّ...^۱

ای مالک! از منت نهادن بر تحت امارتت بخاطر آنچه
برای آنان انجام می‌دهی، جداً پرهیز نما... زیرا منت
احسان را باطل می‌کند و نسبت به آنچه را که انجام
داده‌ای اگر بیشتر به حساب آوری، نور حقیقت را از
بین می‌برد.

در اینجا جمله قبلی امام را تکرار می‌کنیم که فرمودند:
آقا، دولت مال مردم است؛ بودجه مملکت از جیب مردم
است؛ شما نوکر مردم هستید؛ دولتها خدمتگزار مردمند. هی
لفظاً نگوید من خدمتگزارم و عملاً تو سر مردم بزنی و این
اربابهای بیچاره‌تان را پایمال کنید. خوب شما از بودجه این
مملکت دارید ارتزاق می‌کنید؛ دارید زندگی مرفه می‌کنید...^۲

۱. نهج البلاغه، نامه ۵۳

۲. صحیفه نور، ج ۱، ص ۲۸۵، بیست و ششم فروردین ۱۳۴۳ (دوم ذی الحجه ۱۳۸۳)

مقام معظم رهبری در این رابطه می‌فرمایند:
 مردم سالاری دینی بر خلاف دموکراسی‌های ریاکار و
 عوام‌فریب، نظام خدمت‌رسانی خالصانه و بی‌منت است. . .
 فلسفه وجودی مسئولان نظام، خدمت به مردم است.^۱
 مسئولان باید متوجه باشند که خداوند بر آنان منت
 گذاشته که حاجت مردم را بر آنان عرضه داشته و آنان را
 وسیله رفع نیاز مردم قرار داده است. آنان موظف‌اند نعمتهایی
 که خداوند به آنها عنایت فرموده در همان جهتی که او
 فرموده است بکار بگیرند و از منت نهادن پرهیز کنند.

قال رسول الله (ص):

تَحْرُمُ الْجَنَّةُ عَلَى ثَلَاثَةٍ: عَلَى الْمَنَّانِ، وَعَلَى الْمُعْتَابِ، وَ
 عَلَى مُدْمِنِ الْخَمْرِ^۲

بهشت بر سه گروه حرام است: منت‌گذار، غیبت
 کننده، شرابخوار.

تذکر: وظایف ارباب رجوع

از جمله امور مهم این است که آحاد مردم از مدیران و مسئولان خدمتگزار و هم از خدا به خاطر این نعمتی که به آنان عطا کرده، تشکر نمایند و در نهایت او را پشتیبانی کنند. پشتیبانی و حمایت از چنان مدیری موجب استمرار خدمت و بیشتر شدن خدمات ارائه شده می‌گردد. در این زمینه داستان زیر قابل مطالعه است: زمان بمباران شهرهای ایران توسط رژیم بعثی عراق؛ من به خرمشهر مسافرت کرده بودم. برق این شهر پیوسته قطع و وصل می‌شد، یکبار که برق وصل شد، من از مسئول برق تشکر کردم که زحمت زیادی می‌کشید تا برق وصل می‌شود. او از من خواهش کرد که شما چه کسی هستید؟ منو دیوانه کردید. من نمی‌دانم چگونه از شما تشکر کنم! چون هر چه تلفن می‌کنند اعتراض می‌کنند، ولی شما مرا چنان خوشحال کرده‌اید که نمی‌دانم چه بگویم. تا فردا بیدار می‌مانم و مرتب برق را به گل روی شما وصل می‌کنم.

تشویق می‌تواند اینگونه باشد.

۱. شناخت مدیر خدمتگزار

ما موظف هستیم مدیران دلسوز و خدمتگزار را انتخاب کنیم. در انتخابات این مسأله خودش را بیشتر نمایان می‌کند. اگر انسان با دین منصبهای خدمتگزاری را داشته باشند، حکومت مورد نظر اسلام پیاده خواهد شد.

امام خمینی «ره» می‌فرمایند:

«آدمی که امین باشد، خدمتگزار به اسلام باشد، خدمتگزار به کشور باشد، این را باید چراغ برداریم و از این طرف به آن طرف بگردیم و پیدا بکنیم.»^۱

«همه فکر این باشید که خدمتگزار پیدا کنید، خدمتگزار به کشور و اسلام پیدا کنید نه خدمتگزار به خودتان.»^۲

اگر به فکر اسلام باشیم و در جهت تقویت آن کوشش کنیم، خدمت به خودمان هم صورت می‌گیرد، ولی اگر فقط خدمت به خودمان مورد توجه شد، چون در مصادیق خدمت اشتباه می‌کنیم دچار انحراف خواهیم شد.

۲. قدر دانی و تشویق

تشویق و قدردانی، مدیر را در خدمت رسانی بیشتر جدی تر می کند و همین هم مورد تأکید اسلام است که: اگر نعمتهای مرا شاکر باشید آنها را برای شما افزایش می دهم و اگر کفران نعمت کنید، عذاب شما دردناک است. یکی از این عذابها این است که آن نعمتها را سلب می کند. از بهترین نعمتها بلکه بالاترین نعمت خداوند به مردم، نعمت مدیر و راهنما است که خداوند تبارک و تعالی بر انسانها منت گذاشته است که از خودشان راهنمایی برای هدایت آنان فرستاده است.^۱ پس باید بهترین شکر را بجا آورد.

امام خمینی «ره»:

«ادراک این است که آن کسی که خدمتگزار است باید به او ارج گذاشت، باید از او تقدیر کرد.»^۲

۳. پشتیبانی کردن از او

امیر المؤمنین (علیه السلام) می فرمایند:

«... اما حق من بر شما این است که در بیعت با من وفادار باشید و در آشکار و نهان برایم خیرخواهی کنید. هرگاه شما را خواندم اجابت کنید و اگر فرمان دادم اطاعت کنید.»^۱

اگر اینگونه نباشد خداوند عذاب نازل خواهد نمود همچنانکه امیرالمؤمنین (علیه السلام) از خدا خواست که او را از آن مردم بگیرد و فردی لایق آنان بر آنان مسلط کند و اینگونه هم شد.

بخش دوم

احکام مدیریت و کارمند

۱. استخدام

استخدام، نوعی اجاره است که مدیر یا کارمند استخدام شده، در قبال اجرت و حقوقی که دریافت می‌کند، باید مطابق تعهد و قرارداد با اداره یا مؤسسه متبوع خود یا به تعبیر دیگر، مطابق قوانین و مقررات استخدامی که آنها را پذیرفته، عمل کند و هیچ گونه تخلف از آن جایز نیست و اگر از ساعت مقرر کاری خود تخلف کند و دیرتر سرکار حاضر شود یا زودتر برود و یا در بین وقت اداری که باید به کار اداری خود اشتغال داشته باشد، به کار غیرموظف خود یا کار شخصی پردازد و یا ایامی را غیبت کند و سرکار خود حاضر نشود، اگر بدون عذر باشد، افزون بر آن که عمل غیرمجازی را انجام داده، اگر در مقابل آن حقوق و اجرتی دریافت کند، ضامن است و باید مسترد نماید

۲. کار، حقوق و امکانات

حقوق گرفتن بدون کار کردن

سؤال: بعضی از کارکنان بنا به عللی در ماه، یک یا دو روز را به سر کار نمی‌آیند؛ آیا شرعاً مسئول کار، می‌تواند مزد روزی را که آن کارگر یا کارمند نیامده، بدهد؟

جواب: تابع مقررات استخدای است. ^۱

مقام معظم رهبری به مدیران می‌فرمایند:

این مسئولیت و منصبی که در نظام اسلامی داریم، طعمه و سرمایه و کاسبی نیست، اشتباه نشود، مسئولیت در نظام اسلامی باری بر دوش انسان است که باید آن را بخاطر هدف و نیتی تحمل کند. در این راه از خیلی چیزها باید گذشت. نه فقط از شهوات حرام، بلکه از شهوات حلال نیز باید گذشت. مسئول نظام اسلامی، مسئولی است که برای مردم و در راه خداست، برای هوی و منافع شخصی خود نیست. ^۲

دریافت دو حقوق در یک ماه

سؤال: در رژیم قبل استخدام شدن در دو محل، خلاف قانون بوده است؛ حال اگر کسی در رژیم سابق در دو محل استخدام بوده و کار خود را در هر دو محل انجام داده باشد و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی از یکی از آنها استعفا کرده باشد، آیا با فرض مذکور، لازم است حقوق یکی از آنها را به دولت اسلام برگرداند یا لازم نیست؟

جواب: در فرض مرقوم، زائد بر اجرة المثل کار انجام شده در محل دوم را ضامن است و باید برگرداند.^۱

فوق العاده گرفتن در مرخصی

سؤال: روزهایی که انسان در مرخصی است، در ازای همان روزها حقوق و فوق العاده گرفتن، چه حکمی دارد؟

جواب: تابع قرارداد استخدام و مقررات دائره مربوطه است.^۲

سؤال: آیا شخصی که دارای شغل آزاد است و منبع در

۱. امام خمینی، استفتانات، ج ۲، ص ۵۴۵، س ۶۱.

۲. همان، ج ۳، ص ۵۲۶، س ۱۳۰.

آمدی دارد، جایز است در ارگان‌های دولتی کار کند و از آن جا هم حقوق دریافت کند؟

جواب: تابع مقررات دولت اسلامی است.^۱

سؤال: مبلغی معادل دو ماه حقوق ماهانه‌ام را بر اثر اشتباه از حسابداری دریافت کردم و مسئول مؤسسه را هم مطلع نمودم؛ ولی مبلغ اضافی را برنگرداندم و در حال حاضر حدود چهار سال از آن می‌گذرد؛ با توجه به این که جزء بودجه مالی سالانه مؤسسات دولتی است، چگونه می‌توانم آن مبلغ را به حساب مؤسسه برگردانم؟

جواب: اشتباه حسابدار مجوز قانونی برای دریافت مبلغی بیشتر از مقدار مورد استحقاق نیست و واجب است مبلغ اضافی را به آن مؤسسه برگردانید؛ هر چند جزء بودجه سال قبل آن باشد.^۲

۳. کم کاری و گرفتن حقوق اداری

سؤال: این جانب کارمند اداره ارشاد اسلامی هستم؛ اغلب اوقات (به علت عدم امکان فعالیت و نبودن کار)، بیکار هستم؛ فقط بعضی از وقت‌ها در حد امکان اداره، فعالیت‌های تبلیغی انجام می‌دهم و از طرفی تنها ممر زندگی و امرار معاش خود و افراد تحت تکفلم، حقوقی است که از اداره دریافت می‌کنم؛ خواهشمند است مرقوم فرمایید که حقوق مزبور با توجه به موارد فوق، برایم حلال است یا خیر؟

جواب: اگر کارهای پیشنهادی اداره را طبق مقررات انجام می‌دهید، حقوق دریافتی حلال است.^۱

سؤال: بعضی از برادران از برخی از مزایا صرف نظر می‌کنند و این را در مقابل کم کاری صورت گرفته قرار می‌دهند، آیا این صرف نظرها جبران کم کاری را می‌کند؟

جواب: صرف نظر کردن از مزایا مجوز کم کاری نیست و لازم است طبق مقررات استخدامی در وقت اداری به

وظیفه خود عمل کند.^۱

سؤال: آیا کارکنان مربوطه می‌توانند به علت نبودن کار در سرکار حاضر نشوند یا پس از یکی دو ساعت حضور به منزل برگردند و اصولاً آیا کسی قبل از تمام شدن کار، اجازه دارد به هر عنوان از محل کار، خارج شود یا خیر؟

جواب: حکم مسئله قبل را دارد.^۲

جبران کم کاری

سؤال: این جانب چندین سال است در اداره دولتی کار می‌کنم؛ ولی از آن جایی که گه‌گاه نتوانسته‌ام درست و صحیح دینم را ادا کنم و خودم را بدهکار می‌دانم، آیا می‌توانم برای ادای دینم در یکی از ارگان‌ها یا مساجد و یا درمانگاه‌های متعلق به مردم کار کنم یا این که حتماً باید در همان سازمان کار کنم و یا این که آیا می‌توانم پول کم کاری را حساب کنم و بپردازم یا نه؛ اگر می‌شود به چه حساب و کجا بپردازم؟

جواب: به همان سازمان که مدیون هستید، باید ادا نماید.^۱

سؤال: معمولاً وظایف افرادی که در سازمان‌ها اشتغال دارند به آنان ابلاغ می‌شود. اگر کسی در انجام امور محوله کوتاهی و کم‌کاری نماید، پولی که به عنوان حقوق ثابت هر ماه دریافت می‌کند، از نظر شرعی چه حکمی دارد؟

جواب: اگر در مقابل کاری که انجام نداده پول بگیرد، مالک آن مقدار نمی‌شود و باید به همان اداره عودت دهد.^۲

دیر حاضر شدن و زود رفتن

سؤال: کارمندان، طبق مقررات، هر روز باید سر ساعت معینی بر سر کار خود حاضر شوند؛ اگر کسی به علت دور بودن راه یا سرمای شدید زمستان و یا نبودن وسیله نقلیه، یک الی دو ساعت فقط صبح‌های روز شنبه، استثنائاً دیر به محل کار برسد، آیا از نظر شرع مقدس درست است که جبران تأخیر خود را همان روز یا در ایام هفته بنماید؟

جواب: باید طبق مقررات عمل نماید.^۳

۱. همان، ج ۲، ص ۲۸۴، س ۱۲.

۲. مستفاد از استفتائات جدید، ۳۱۴-۶/۲

۳. همان، ج ۳، ص ۴۵۵، س ۸۱

سؤال: در شرکت نفت و سایر ادارات، کارگران و کارمندانی هستند که پس از تمام شدن کارشان (البته قبل از این که هشت ساعت وقت آنان تمام شود) تعطیل کرده، به منزل می‌روند و می‌گویند ما کارمان را زودتر تمام می‌کنیم و زودتر می‌رویم؛ این زودتر رفتن، باعث عدم دقت در کارهای محوله می‌شود؛ آیا به نظر حضرت عالی، اشکالی در حقوق آنان پیدا نمی‌شود و ساعاتی را که زودتر به منزل می‌روند، حقوقشان حلال است یا خیر؟

جواب: اگر خلاف مقررات استخدامی عمل می‌کنند، نسبت به مقدار تخلف، از حقوق حق ندارند.^۱

۴. استفاده از بیت‌المال و اموال عمومی

هر کس که بیت‌المال مسلمین را ملک خود به حساب می‌آورد، یا به زبان بگوید و یا اگر نگوید در عمل اینطور وانمود کند که ما این قدرها حق داریم و با بیت‌المال مثل اموال خود رفتار کند، یا بخورد یا ببخشد یا در راه اغراض شخصی از آن استفاده کند، نمی‌تواند دنبال روی علی به

حساب بیاید. ما مسئولان وظیفه و تکلیف داریم که خودمان را با رفتار امیر المومنین (علیه السلام) تطبیق دهیم و جهت حرکت خودمان را با او بسنجیم، آحاد مردم هم همین تکلیف را دارند. کسی که امکانات شخصی دارد، حق ندارد از امکانات دولتی استفاده کند. من الآن اعلام می‌کنم و قبلاً هم نوشتم و این را گفتم آن وقتی که آقایان امکانات شخصی دارند، حق ندارند از امکانات دولتی استفاده کنند اگر ماشین دارید آن را سوار شوید و به وزارتخانه و محل کارتان بیاید، ماشین دولتی یعنی چه!^۱

سؤال: این جانب اقدام به استفاده شخصی از بیت‌المال کرده‌ام؛ وظیفه من برای بریء الذمه شدن چیست؟ استفاده شخصی از امکانات بیت‌المال تا چه حد برای کارمندان جایز است و در صورتی که با اذن مسئولان مربوط باشد، چه حکمی دارد؟

جواب: استفاده کارمندان از امکانات بیت‌المال در ساعات رسمی کار، به مقدار متعارفی که مورد ضرورت و

۱. دیدار با مدیران مجموعه انصار، برگرفته از مجله آشنا، شماره ۱۳۶ - ۱۳۸۵

نیاز است و شرایط کاری بیانگر اذن به کارمندان در این مقدار از استفاده است، اشکال ندارد و همچنین استفاده از امکانات بیت‌المال با اذن کسی که از نظر شرعی و قانونی حق اذن دارد، بدون اشکال است. در نتیجه اگر تصرفات شخصی شما در بیت‌المال به یکی از دو صورت مذکور باشد، چیزی در این رابطه به عهده شما نیست؛ ولی اگر از اموال بیت‌المال استفاده غیرمتعارف کرده باشید و یا بدون اذن کسی که حق اذن دارد، بیشتر از مقدار متعارف استفاده نمایید، ضامن آن هستید و باید عین آن را اگر موجود باشد به بیت‌المال برگردانید و اگر تلف شده باشد، باید عوض آن را بدهید و همچنین باید اجرت‌المثل استفاده از آن را هم در صورتی که اجرت داشته باشد، به بیت‌المال پردازید.^۱

سؤال: آیا کسی که از اموال شخصی خود مانند تلفن یا بنزین برای مصارف دولتی استفاده می‌نماید، حق دارد عین یا

بهای آن را از اموال دولتی برای خود استفاده نماید؟

جواب: بدون اجازه مسئولین مربوطه حق ندارد.^۱

سؤال: اگر شخصی مقداری حقوق یا مزایای خاصی که به طور قانونی به او عطا شده، از دولت طلب داشته باشد؛ ولی دلایل قانونی برای اثبات حق خود در اختیار نداشته باشد و یا قادر بر مطالبه آن نباشد، آیا جایز است به مقدار حق خود از اموال دولتی که در اختیار دارد، به عنوان تقاص بردارد؟

جواب: جایز نیست اموال دولتی را که به عنوان امانت در اختیار و تحت تصرف او هستند، به قصد تقاص برای خود بردارد؛ در نتیجه اگر مال یا حقی از دولت طلب دارد و می خواهد آن را بگیرد، برای اثبات و مطالبه آن، باید از راههای قانونی اقدام نماید.^۲

سؤال: کسی که بر خلاف مقررات قانونی از اموال دولتی استفاده شخصی یا غیر شخصی نموده، تکلیف شرعی او چیست؟

جواب: استفاده از اموال دولتی بر خلاف مقررات، موجب ضمان است و باید عوض آن را به صندوق همان بخش واریز نماید.^۱

سؤال: اگر به نوعی از انواع، به وسایل انفرادی که در ارتش برای مدت دو سال به شخصی سپرده می‌شود، خسارت و آسیب وارد شود، آیا باید همان نوع جنس را خرید و به ارتش تحویل داد یا خیر؟

جواب: تابع مقررات ارتش است.^۲

بودجه اختصاصی اداری

... کمتر خرج کنیم، کمتر بذل و بخشش بیجا کنیم، کمتر به زندگی شخصی خودمان پردازیم، اما حالا، مثل عروسی اشراف عروسی بگیریم، مثل خانه اشراف خانه درست کنیم، مثل حرکت اشراف در خیابان‌ها حرکت کنیم، اشراف مگر چگونه بودند؟ چون آنها فقط ریششان تراشیده بود، ولی ما

ریشمان را گذاشته ایم؟!۱

یکی از مسائل مهم در اداره جامعه و کار مدیریتی، مسئله بودجه و هزینه اداره است. بودجه اداره جامعه اسلامی از بیت المال تأمین می شود و در چنین جامعه ای، کمتر کسی است که با بیت المال آشنا نباشد؛ هر چند «بیت المال» اسم مکان است و به معنای مکان نگهداری اموال می باشد، ولی به معنای اموال عمومی است که در اختیار حاکم اسلامی است و با اجازه او در اختیار دیگران قرار می گیرد. از این رو، هر گونه تصرف در آن اموال، بدون اجازه حاکم شرعی جایز نیست و هر گونه استفاده و مصرف بی جا و خارج از حدود قانونی و استفاده شخصی نیز از آن نامشروع است. برای آشنایی کارمندان و مدیران محترم و تمام کسانی که به گونه ای با اموال عمومی سر و کار دارند، چندین استفتاء را از بنیان گذار جمهوری اسلامی، حضرت امام خمینی و رهبر معظم انقلاب اسلامی - دامت برکاته - یادآور می شویم:

سؤال: اگر بعضی از مسئولین از بودجه ای که جهت خرید

غذا و میوه برای میهمانان رسمی اداری در اختیار آنان گذاشته می‌شود، سو استفاده کنند و آن را در موارد دیگری مصرف نمایند، این کار چه حکمی دارد؟

جواب: مصرف نمودن اموال دولتی در غیر مواردی که اجازه داده شده، در حکم غصب است و موجب ضمان می‌باشد؛ مگر آن که با اجازه قانونی مقام مسئول بالاتر صورت بگیرد.^۱

سؤال: آیا از امکانات ارگان‌های اداری جهت مراسم شهدا و زخمی‌های جنگی می‌توان کمک دریافت داشته، با این امکانات از مقام این عزیزان قدردانی به عمل آورد؛ اگر آری، حدود را مشخص فرمایید.

جواب: مراعات مقررات دولت اسلامی لازم است.^۲

سؤال: فرمانداری یکی از شهرستان‌ها وسیله‌ای برای نهادی (مثلاً برای جهاد یا نهضت سواد آموزی) خریداری می‌کند و فرماندار خودش اجازه استفاده از آن وسیله را در

۱. آیت الله خامنه‌ای، اجوبه الاستفتائات، ص ۴۸۱، ص ۱۹۶۶.

امور تبلیغات اسلامی نیز می‌دهد؛ آیا می‌توان از این وسیله جهت مجالس شهدا و دعای کمیل در منازل شهدا و تهیه عکس و پوستر برای شهدا و یا تبلیغات اسلامی استفاده کرد؟
جواب: اگر مطابق مقررات اجازه داده شده است، مانع ندارد.^۱

سؤال: کسی که بر خلاف مقررات قانونی از اموال دولتی استفاده شخصی یا غیر شخصی نموده، تکلیف شرعی او چیست؟

جواب: استفاده از اموال دولتی بر خلاف مقررات، موجب ضمان است و باید عوض آن را به صندوق همان بخش واریز نماید.^۲

سؤال: کسی که به یک سازمان دولتی بدهی دارد (مثلاً از تلفن آن سازمان برای کار خصوصی استفاده کرده و نظیر آن)، آیا می‌تواند آن بدهی را به سازمان دیگری که آن هم دولتی است، بپردازد؟

۱. همان، ص ۵۱۴

۲. همان، ص ۳، ص ۴۹۹.

جواب: باید به همان سازمانی که به آن بدهکار است، رد

کند.^۱

ماشین اداره

«... والله اگر من از طرف مردم مورد ملامت قرار نمی‌گرفتم که مرتب ملاحظه جهات امنیتی را توصیه می‌کنند، بنده با ماشین پیکان بیرون می‌آمدم.»^۲

سؤال: از طرف نهادهای مربوط، ماشین‌هایی در اختیار مدیران مؤسسات و مسئولان نظامی قرار می‌گیرد تا از آنها در امور اداری استفاده کنند؛ آیا شرعاً جایز است از آنها برای کارهای شخصی و غیر اداری استفاده شود؟

جواب: جایز نیست مدیران و مسئولین و سایر کارمندان در هیچ یک از اموال دولتی تصرفات شخصی کنند؛ مگر آنکه با اجازه قانونی نهاد مربوطه باشد.^۳

۱. همان، ج ۲، ص ۲۸۳.

۲. دیدار با مدیران مجموعه انصار، برگرفته از مجله آشنا، شماره ۱۳۶ - ۱۳۸۵

سؤال: آیا افراد شاغل در ادارات و مؤسسات دولتی که وسایل و امکانات دولت در اختیارشان است، می‌توانند با تأمین هزینه مصرفی - مانند سوخت اتومبیل - از پول شخصی خود، از این امکانات جهت کار شخصی استفاده نمایند؟

جواب: تابع مقررات دولت اسلامی است؛ بدون اجازه قانونی مسئولین مربوطه جایز نیست.^۱

سؤال: سوار کردن افراد غیرنظامی و جنگ‌زده با خودروهای نظامی در شهرها و مناطق جنگی نظیر آبادان که هیچ‌گونه خودروی شخصی وجود ندارد و به‌ندرت مشاهده می‌شود، چه صورت دارد؟

جواب: چنانچه خلاف مقررات نباشد، مانع ندارد.^۲

سؤال: ممکن است روی نوبت یک سال یا بیشتر طول بکشد تا ماشین پیکان به درخواست کننده تحویل گردد؛ آیا برای ارگان‌ها جایز است ماشینی را که برای ارگان خود (خارج از نوبت) تحویل گرفته‌اند، به افراد بفروشند و یا به اسم ارگان برای افرادی ماشین خریداری نمایند؟

۱. امام خمینی، استفتانات، ج ۳، ص ۵۱۶، س ۹۵.

جواب: تخلف از مقررات دولت اسلامی جایز نیست.^۱

سؤال: این جانب آموزگار می‌باشم؛ در یکی از ارگان‌های انقلاب اسلامی هم خدمت می‌کنم و معاش زندگی و حقوقم را فقط از آموزش و پرورش دریافت می‌دارم؛ اما چون محل خدمت فرهنگی‌ام در یکی از روستاهای اطراف است (که تقریباً شش کیلومتر با مرکز فاصله دارد)، پس از انجام کار در این نهاد انقلاب اسلامی، با ماشین این ارگان به محل کار می‌روم؛ آیا این استفاده اشکال دارد؟

جواب: بستگی به مقررات نهاد دارد و تخلف جایز

نیست.^۲

خانه سازمانی

سؤال: زمینی از طرف بنیاد مسکن تهران در اختیار این جانب گذاشته‌اند که با گرفتن وام و غیره بحمد الله محلی مناسب برای سکونت ساخته شد؛ ولی اکنون چندین ماه است که بنا به درخواست خودم از تهران به شهر مشهد منتقل

گشته‌ام و اداره دارایی یک خانه سازمانی به طور موقت در اختیار من گذاشته است؛ آیا من با داشتن ۱۳۰ هزار تومان بدهکاری و قرض و پنج سر عائله تحت تکفل می‌توانم برای مدتی که بدهکاری‌های من کم یا تمام بشود، منزل خود در تهران را اجاره و رهن بدهم تا با درآمد آن قرض خود را بپردازم و این مدت در این خانه سازمانی باشم؟

جواب: با مراعات مقررات دولت اسلامی مانع ندارد^۱

غذای اداره

سؤال: با توجه به این که ساعات رسمی کار ممکن است حتی تا ساعت ۲/۳۰ طول بکشد، خوردن یک وعده غذا در اثنای کار در اداره، چه حکمی دارد؟

جواب: اگر وقت زیادی نگیرد و منجر به تعطیلی کار

اداری نشود، اشکال ندارد.^۲

سؤال: گاهی در سپاه پاسداران مقداری غذا اضافه می‌آید؛

آیا می‌توان آنها را به فقرا داد؟

جواب: منوط به اجازه مسئولین است.^۱

سؤال: آیا جایز است کارگران کارخانه‌ای (که نان، شیرینی، خوراک و آشامیدنی تولید می‌کنند) در حال کار با اجازه مدیر کارخانه از مواد غذایی کارخانه که صاحب اصلی آن بیت‌المال مسلمین است، بخورند؟

جواب: بستگی به مقررات کارخانه دارد.^۲

سؤال: در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی امکاناتی مانند غذا و لوازم مورد نیاز دانشگاهی به دانشجویان داده می‌شود، که توسط وزارت بازرگانی و مؤسسات دیگر به دانشجویان مشغول به تحصیل در آن دانشگاه اختصاص یافته است؛ آیا توزیع آنها بین سایر کارمندان مشغول به کار در دانشگاه نیز جایز است؟

جواب: توزیع نیازمندی‌های مورد مصرف و مختص به دانشجویان مشغول به تحصیل در دانشگاه، بین سایر اشخاصی که در آن جا کار می‌کنند، جایز نیست.^۳

۱. امام خمینی استفتانات، ج ۳، ص ۵۰۱.

استفاده از آب و برق

سؤال: این جانبان با تحمل زحمات و هزینه‌هایی برای احیای کشاورزی در حومه شهری، امتیاز برق از اداره برق گرفته و چاه عمیقی احداث و مشغول کار شده‌ایم و ترانس برق را هم خودمان خریداری و نصب کرده‌ایم؛ اخیراً در مجاورت مزرعه ما، یک مرغداری بنا شده که بدون رضایت ما، برق مرغداری را به ترانس اختصاصی مزرعه وصل نموده است و ما هرچه به اداره برق مراجعه می‌نماییم که این کار برخلاف قانون و مورد خسارت این جانبان است، توجهی ندارد و به صاحب مرغداری هم اجازه داده‌اند که از آن برق استفاده نماید؛ آیا از نظر شرع این عمل مجاز است یا خیر؟

جواب: استفاده از ملک مشروع غیر، منوط به اجازه مالک است و بدون اجازه مالک، حرام و موجب ضمان است؛ ولی مقررات و قوانین دولت اسلامی نیز لازم‌المرعات است.^۱

سؤال: شخصی از انشعاب آب خانه یا مغازه‌اش، علاوه بر

مصرف خودش، بدون اجازه سازمان آب، به دیگران هم آب می‌دهد و پول آن را می‌گیرد؛ این کار برای صاحب انشعاب و برای کسی که با دادن پول آب و هزینه انشعاب فرعی، از آن آب استفاده می‌کند، چه حکمی دارد؟

جواب: تصرف در آب مزبور، بدون مراعات مقررات دولت اسلامی، جایز نیست.^۱

تلفن و امور دیگر

سؤال: در بعضی از ادارات دولتی مرسوم است که هر کس از تلفن دولتی استفاده شخصی کند، پنجاه ریال در صندوق مخصوصی واریز می‌کند؛ آیا این کار اشکال داد؟

جواب: با اجازه مسئولین مربوطه اشکال ندارد.^۲

سؤال: بعضی تصرفات جزئی در اموال دولتی که متعارف است و مسئولان ادارات دولتی هم از آن نهی نمی‌کنند (مانند یادداشت کردن امور شخصی به وسیله خودکار و کاغذ دولتی یا درست کردن چای و مانند آن) چه حکمی دارد؟

جواب: تصرفات جزئی متعارف مانع ندارد.^۱

سؤال: عده‌ای به صورت مأمور به خدمت یا به صورت موقت (مثلاً شش ماه یا یک سال و بیشتر) بر حسب ضرورت و نیاز در ارگان‌های انقلابی مانند سپاه پاسداران یا جهاد سازندگی به خدمت مشغول می‌شوند؛ در این مدت ارگان مربوطه مقداری البسه و مایحتاج انفرادی (از جمله لباس گرم، جوراب، پوتین، اورکت، مسواک و کلاه) در اختیار آنان قرار می‌دهد؛ نظر مبارکتان در مورد استفاده از وسایل فوق پس از انقضای مدت مأموریت چیست و عبادت کردن با آنها چه حکمی دارد و در صورت مجاز نبودن، مدتی که از آنها استفاده نموده‌اند، چگونه است؟

جواب: بستگی به مقررات ارگان ذکر شده دارد و نمازهایی که در صورت جهل خوانده شده، صحیح است.^۲

سؤال: شوهر من در زمان طاغوت مقداری از اجناس دولت را به منزل آورده، حال که تصمیم به عودت آن داریم، آیا آنها را حتماً باید به جای اولش برگردانیم یا این که به

پیش نماز محل تحویل دهیم؟

جواب: اگر از اموال دولتی است، باید به دولت بر

گردد.

سؤال: شخصی در زمان طاغوت که در اوان تکلیف و یا

بیشتر بوده، مقداری از اموال عمومی و یا به تعبیر دیگر

بیت‌المال را مصرف نموده است؛ به عنوان مثال رفته در اداره

برق سیم‌های مسی بی‌فایده و امثال آن را جمع کرده و

فروخته و یا کاغذهای اطلاعیه را که در آن زمان برای امور

مختلف مملکتی بوده و دست بزرگ‌ترها بوده، برداشته و به

قصابی فروخته و یا از کاغذهای امتحانی دبیرستانی به طور

مشخص استفاده کرده و یا مقدار مختصری پول به دست

آورده که تمام این موارد و امثال آن اولاً در زمان طاغوت بوده

و ثانیاً از روی جهالت و نادانی بوده، حال که این شخص

متنبه شده و مخصوصاً این که حکومت اسلامی است،

می‌خواهد خودش را بریء الذمه کند؛ لطفاً راهنمایی بفرمایید

که برای بریء الذمه شدن شخص مذکور با توجه به این که

مقدار دقیق آن پول‌ها و پول آن اشیا و کالاها را نمی‌داند، چه مقدار پول بدهد؛ حد اکثر را در نظر بگیرد یا حداقل را و به چه حسابی واریز کند یا کجا بفرستد؟

جواب: اجناس برداشتنی را ضامن است؛ باید عین یا قیمت آن را به بیت‌المال برگرداند.^۱

سؤال: اگر در حین انجام وظیفه توسط کارمند متعهد و مسئول که مشغول رفع خرابی از یک سیستم متعلق به دولت است، خسارتی بر یک قسمت از دستگاه وارد شود و قسمتی از آن بسوزد، با توجه به آن که کاملاً مشخص و محرز است که شخص نامبرده سعی خود را نموده، هیچ گونه غرض و اهمال کاری در بین نبوده است، آیا خسارت آن به عهده کارمند است یا خیر؟

جواب: اگر خسارت را او بر دستگاه وارد نکرده، ضامن نیست؛ ولی اگر او خسارت زده، ضامن است.^۲

۱. همان، ص ۵۳۹

۲. همان، ص ۵۴۹

انجام کار غیر موظف در وقت اداری

سؤال: آموزگاری پیمان بسته که در مقابل خدمت موظف ۲۴ ساعت در هفته، حقوق دریافت نماید؛ حال اگر بعضی ساعت‌ها، کارهای شخصی انجام داده و دانش‌آموزان بدون معلم بوده‌اند یا معلم دیگری به جایش بوده، آیا حق استفاده از حقوق دارد و اگر بگیرد جایز است یا خیر و [اگر] چنانچه خودش شخصاً مریض شود و آن ساعتی که می‌بایست کار موظف انجام دهد که در مقابلش حقوق بگیرد، گرفتن آن مقدار پولی که در برابرش هیچ‌گونه کاری انجام نداده است، جایز و قابل تصرف است یا خیر؟

جواب: تابع مقررات استخدامی است و اگر بر خلاف

(عمل) نموده، استحقاق اجرت ندارد.^۱

پرداختن به کارهای شخصی در وقت اداری، در صورتی که بر خلاف مقررات استخدامی و مانع خدمت رسانی به ارباب رجوع باشد، نه تنها جایز نیست، بلکه در قبال وقتی که صرف کارهای شخصی شده است، نمی‌توان حقوقی دریافت

کرد و چنانچه در گذشته حقوقی دریافت کرده باشد، ضامن است و باید برگرداند.

سؤال: راننده سپاه یا ادارات دولتی و غیره به مأموریت می‌رود؛ در برگشتن در بین راه به مدت پانزده دقیقه به منزل می‌رود تا به پدر و مادر خود سر بزند، آیا اشکال دارد؟

جواب: تابع مقررات است و با اجازه مسئولین مربوطه، بی‌اشکال است.^۱

سؤال: آیا شرعاً جایز است کارمندان و کارگران ادارات دولتی در ساعات اداری و کار، به عنوان تحصن و اعتصاب (جهت رسیدگی به درخواست‌هایشان) دست از کار بکشند؟

جواب: جایز نیست و باید تابع مقررات دولت اسلامی باشند.^۲

سؤال: اگر کارمند در محل کار خود در اداره، ساعات بی‌کاری زیادی داشته باشد و مجاز نباشد که در این ساعات در بخش‌های دیگر کار کند، آیا جایز است در اوقات بی‌کاری

۱. همان، ص ۲۱۷، ص ۵۵.

۲. همان، ص ۴۹.

کارهای شخصی مربوط به خودش را انجام دهد؟

جواب: اقدام به انجام کارهای شخصی در اثنای کار، در محل کار، تابع مقررات و اجازه قانونی مسئول مربوطه است.^۱

انجام کار غیر موظف در وقت اداری

سؤال: آیا کارمند در ساعات اداری مجاز است که کارهای شورای مساجد و یا تعاونی‌ها را در مسجد انجام دهد و به صورت مأمور خدمت، در محل‌های مذکور خدمت نماید؟

جواب: بستگی به مقررات اداره دارد.^۲

سؤال: کارمند دولت جمهوری اسلامی گاهی از محل خدمت، بدون اجازه آن سازمان در تشییع جنازه یا مجلس ختم شرکت می‌کند؛ حقوقش چه صورت دارد؟

جواب: اگر از وظیفه کوتاهی نموده، به مقداری که کوتاهی کرده، مدیون است.^۳

۱. آیه الله خامنه‌ای، ترجمه اجوبه الاستفتانات، ج ۲، ص ۶۸۲، س ۱۹۷۲.

۲. امام خمینی، استفتانات، ج ۳، ص ۵۳۲، س ۱۴۶.

۳. همان، ص ۵۳۱، س ۱۴۵.

سؤال: در بعضی از مراکز تعلیم و تربیت، مشاهده می شود که معلم یا مدیری که کارمند یکی از بخش های اداری است، با موافقت مسئول اداری مستقیم خود، در ساعات رسمی کارش مبادرت به تدریس در مدارس دیگر می کند و علاوه بر حقوق ماهانه خود، اجرت این تدریس را هم دریافت می کند؛ آیا این کار و گرفتن اجرت در برابر آن، جایز است؟

جواب: موافقت مسئول مستقیم کارمند با تدریس او در اثنای ساعات رسمی کارش، تابع حدود اختیارات قانونی فرد مسئول است؛ ولی با این فرض که کارمند دولت در برابر ساعات رسمی کارش، هر ماه حقوق دریافت می کند، حق ندارد در برابر تدریس در مدارس دیگر، در همان ساعات رسمی کارش، حقوق دیگری دریافت نماید.^۱

اقامه نماز جماعت در اداره

سؤال: در بعضی از ادارات نماز جماعت دائر نموده اند؛ اگر کارمندی بخواهد شرکت کند، باید به مدت خواندن نماز،

کارش را ترک نماید؛

۱. اگر در موقع نماز کارمند، لطمه‌ای به کارش نخورد و

بیکار باشد، چه صورتی دارد؟

۲. اگر در موقع شرکت در نماز جماعت، در کارش تأخیر

کند، چه صورت دارد؟

۳. در صورت مجاز بودن، اگر عمداً نماز جماعت را ترک

کند، چه صورتی دارد؟

جواب: نماز جماعت واجب نیست و اگر منافاتی با

مقررات استخدامی شما نداشته باشد، مانع ندارد.^۱

سؤال: آیا جایز است کارمندان در اداره‌ها و مؤسسات

دولتی، اقامه نماز جماعت داشته و یا مجالس عزای بر پا کنند؟

جواب: اقامه نماز، بیان احکام و معارف و امثال آن در

هنگام اجتماع برای نماز در خصوص ماه مبارک رمضان و

سایر ایام الله مانع ندارد؛ مشروط بر این که حقوق مراجعین

تضییع نشود.^۲

سؤال: آیا برپایی نماز جماعت توسط کارمندان در ساعات رسمی کار جایز است و بر فرض عدم جواز، اگر ملتزم شوند که بعد از پایان ساعات رسمی، آن مقدار وقتی را که به نماز خواندن اختصاص داده‌اند، جبران کنند، آیا در این صورت، اقامه نماز در ساعات رسمی کار برای آنان جایز است؟

جواب: با توجه به اهمیت خاص نمازهای یومیّه و تأکید زیادی که بر اقامه نماز در اوّل وقت شده است و با توجه به فضیلت نماز جماعت، مناسب است کارمندان روشی را اتخاذ کنند که بتوانند در خلال ساعات اداری، نماز واجب را به طور جماعت در اوّل وقت و در کم‌ترین زمان بخوانند؛ ولی باید به گونه‌ای مقدمات این کار را فراهم کنند که نماز جماعت در اوّل وقت، بهانه و وسیله‌ای برای تأخیر انداختن کارهای مراجعه‌کنندگان نشود.^۱

سؤال: در نزدیکی اداره ما مسجدی وجود دارد؛ آیا جایز است در اثنای ساعات رسمی کار، برای شرکت در نماز جماعت به آنجا برویم؟

جواب: خارج شدن از اداره، برای رفتن به مسجد جهت شرکت در نماز جماعت در اوّل وقت، در صورتی که نماز جماعت در خود اداره بر پا نشود، اشکال ندارد؛ ولی باید مقدمات نماز به گونه‌ای فراهم شود که مدت غیبت از اداره در ساعات رسمی کار، برای ادای فریضه نماز جماعت، کاملاً کاهش پیدا کند.^۱

در خصوص برگزاری جلسات تفسیر، دعای توسل و زیارت عاشورا در ساعات اداری مقام معظم رهبری فرمودند: کارکنان در ساعات اداری باید آماده کار باشند و جلسات مزبور را در غیر وقت اداری تشکیل دهند.^۲

۵. هدایا، سفارشات

سؤال: چنانچه فردی از باب تشکر و قدردانی از کارمند، هدیه‌ای به او اهدا کند، حکمش چیست؟ هر چند آن کارمند بدون هیچ‌گونه چشم‌داشتی، کاری را انجام داده باشد؟

جواب: هدیه در محیط کار و از جانب ارباب رجوع،

یکی از خطرناکترین چیزها است و هر چه بیشتر از آن اجتناب کنید، به صرفه دنیا و آخرت شما خواهد بود. فقط در یک صورت، دریافت آن جایز است و آن، این است که هدیه دهنده با اصرار زیاد و با امتناع مأمور از قبول، بالاخره از قبول به نحوی آن را اهداء کند. آن هم بعد از انجام کار و بدون مذاکره و حتی توقع قبلی.^۱

سؤال: هدایا، اعم از نقدی، خوراکی و غیره که توسط ارباب رجوع با رضایت و طیب خاطر به کارمندان دولت داده می‌شود، چه حکمی دارد و اموالی که به صورت رشوه به کارمندان داده می‌شوند، اعم از این که بر اثر توقع انجام کاری برای پرداخت کننده باشد یا خیر، چه حکمی دارند و اگر کارمند بر اثر طمع به دریافت رشوه، مرتکب عمل خلاف قانون شود، چه حکمی دارد؟

جواب: بر کارمندان محترم واجب است که رابطه آنان با همه مراجعه کنندگان، بر اساس قوانین و مقررات و ضوابط

خاص اداره باشد و قبول هر گونه هدیه‌ای از مراجعه کنندگان به هر عنوانی که باشد، برای آنان جایز نیست؛ زیرا باعث فساد و سوء ظن به آنان و تشویق و تحریک افراد طمع‌کار به عمل نکردن به قانون و تضييع حقوق دیگران می‌شود. اما رشوه، مسلم است که برای گیرنده و دهنده آن، حرام است و واجب است کسی که آن را دریافت کرده، به صاحبش برگرداند و حق تصرف در آن را ندارد.^۱

سؤال: اگر شخصی برای انجام کار قانونی خود مجبور به پرداخت مبلغی به کارمندان یکی از ادارات شود تا کار قانونی و شرعی او را به راحتی انجام دهند - زیرا اعتقاد دارد که اگر این مبلغ را نپردازد، کارمندان آن اداره، کار او را انجام نخواهند داد - آیا عنوان رشوه بر این مبلغ صدق می‌کند و آیا این عمل حرام است یا اینکه اضطراری که باعث پرداخت آن برای انجام کار اداری او شده، عنوان رشوه را از آن برمی‌دارد

و در نتیجه حرام نخواهد بود؟

جواب: پرداخت پول یا اموال دیگر از طرف فرد مراجعه کننده به کارمندان ادارات که مکلف به ارائه خدمات اداری به مردم هستند و حتماً منجر به فساد ادارات خواهد شد، عملی است که از نظر شرعی حرام محسوب می شود و توهم اضطرار، مجوز او در انجام این کار نیست.^۱

سؤال: مدیر بخش مالیات از مأمور محاسبه کننده درخواست نموده است که از میزان مالیات یکی از شرکتهای مقداری کم نماید، با توجه به اینکه اگر از این کار امتناع بورزد، مشکلات و گرفتاریهای سختی برای او پیش خواهد آمد، آیا اطاعت از دستور مدیر توسط مأمور در چنین مواردی واجب است؟ و آیا می تواند در برابر اجرای این دستور پولی را دریافت کند؟

جواب: در این گونه امور باید مطابق ضوابط و مقررات قانونی عمل شود و تخلف از آن جایز نیست، اعم از اینکه رایگان باشد یا در مقابل گرفتن وجه^۲

گرفتن فوق العاده و هدیه

سؤال: این جانب کارمند دامپزشکی هستم و گاهی به ما مأموریت داده می شود که جهت واکسیناسیون و معالجه دامها به دهات و قصبات مراجعه کنیم و در ازای هر روز مأموریت، صد تومان به ما می دهند؛ با توجه به این که مسافت مطرح نیست و کیفیت و کمیت هم مطرح نیست و استخدام کارمندان، فقط به خاطر معالجه و یا واکسیناسیون دامهاست و مدت ساعت کار، از ساعت ۷/۵ صبح تا دو بعد از ظهر می باشد، مستدعی است بیان فرمایید:

۱. دریافت فوق العاده به طور مساوی، طبق توضیح بالا چگونه است؟

۲. دریافت فوق العاده (علاوه بر حقوق و مزایا)، در فاصله ساعات کار - چه کم و چه زیاد - چه صورت دارد؟

۳. آیا کارمند می تواند در ساعات خارج از کار اداری، هم فوق العاده و هم مزد از کسی که برایش کار می کند، مطالبه نماید؟ در صورتی که فوق العاده نگیرد، چطور؟

۴. بعضی از دامداران با رضایت خودشان به کارمند پول می دهند که اگر این شغل را نمی داشت، دامدار چیزی به او نمی داد؛ آیا کارمند می تواند بگیرد؟

۵. یک نوع حکم مأموریت با توقف شبانه صادر می‌شود و فوق العاده هم جهت توقف شبانه در روستا دو برابر حکم معمولی است؛ اگر کارمند به هر علتی نخواهد توقف نماید، آیا می‌تواند فوق العاده بابت توقف را دریافت دارد؟

۶. ما احتمالاً و یا حتماً با کار کم و یا فاصله کم، فوق العاده‌هایی گرفته‌ایم؛ آیا اجازه تصرف می‌دهید یا به صندوق دولت عودت دهیم؟

جواب: گرفتن هرگونه فوق العاده طبق مقررات دولت اسلام اشکال ندارد و اگر تخلف صورت گرفته، موجب ضمان است و باید به محلش رد شود و چنانچه با رضایت پولی داده شود، اشکال ندارد.^۱

۶. اضافه کاری

اضافه کار تشویقی

سؤال: اگر کارمندی هر ماه در حدود سی یا چهل ساعت در اداره اضافه کاری نماید، آیا جایز است مسئول اداره برای

تشویق کارمندان، ساعات اضافه کاری آنان را دو برابر حساب کند؛ مثلاً هر ماه برای آنان صد و بیست ساعت محاسبه کند و در صورتی که اشکال داشته باشد، اجرتی که برای اضافه کاری های قبلی گرفته شده، چه حکمی دارد؟

جواب: نوشتن گزارش های غیر واقعی و دریافت پول در برابر ساعات اضافه ای که کاری در آنها انجام نشده، جایز نیست و واجب است پول های اضافه ای که کارمند مستحق دریافت آنها نبوده، بازگردانده شود؛ ولی اگر قانونی وجود داشته باشد که به مسئول اداره اجازه دهد تا ساعات اضافه کاری کارمندی را که اضافه کاری انجام داده، دو برابر نماید، جایز است این کار را انجام دهد و در این صورت، دریافت اجرت توسط کارمند طبق گزارشی که مسئول اداره از ساعات اضافه کاری او نوشته است، جایز است.^۱

سؤال: لطفاً نظر خود را در مورد دریافت اضافه کاری ساعتی که بسیاری از کارمندان دولت بدون انجام کار اضافی دریافت می دارند، اعلام فرمایید.

جواب: تابع مقررات است و در صورتی که در مقابل کار می دهند، بدون انجام کار، استحقاق ندارد.^۱

اضافه کاری در وقت اداری

سؤال: به کارکنان ادارات دولتی نسبت به اضافه کاری در غیر ساعات اداری وجهی می پردازند؛ اگر اضافه کاری در خلال ساعات اداری انجام شود، آیا می توان وجه را دریافت کرد؟

جواب: تابع مقررات دولت اسلامی است و انجام کارهای محوله در ساعات اداری، حقوق جداگانه ندارد.^۲

۲. حق الناس

سؤال: چنانچه کسی به علت استیصال و عدم تکافوی مخارج زندگی اش و بدون اطلاع، مبلغی را از بیت المال استفاده نموده و مبلغی هم متعلق به اشخاص مختلف بوده، در نتیجه حلال با حرام مخلوط گردیده است؛ اکنون می خواهد طوری عمل نماید که خسارات را جبران نماید تا

۱. امام خمینی، استفتانات، ج ۳، ص ۵۲، س ۱۴۱.

۲. همان، ص ۵۲۶، س ۱۳۱.

حق الناس به گردن نداشته، ضمناً از اشخاصی که به آنها
مدیون است، هیچ‌گونه نشان و اطلاعی ندارد؛ وظیفه‌اش
چیست؟

جواب: اگر مبلغی که به غیر وجه شرعی گرفته، خرج
شده و مدیون آن است، باید دین خود را ادا کند و مورد
تحلیل به خمس نیست و اگر مأیوس از پیدا شدن صاحبان
آنهاست، از طرف ایشان صدقه بدهد و اگر عین مال
مخلوط به حرام دارد، تفصیل آن در رساله ذکر شده.^۱

(رساله توضیح المسائل امام خمینی، م ۱۸۱۳ تا ۱۸۱۸.)

سؤال: نظر حضرتعالی درباره گنجی که افراد در زمینی که
مالک آن هستند، پیدا کنند، چیست؟

جواب: میزان در این گونه امور، مقررات نظام جمهوری
اسلامی است.^۲

۱. آیه الله خامنه‌ای، ترجمه اجوبه الاستفتائات، ص ۲۷۸، س ۱۹۵۶.

۲. آیه الله خامنه‌ای، رساله اجوبه الاستفتائات، ص ۱۸۶، س ۸۹۰.

۸. تخلفات

سؤال: عده‌ای در برابر دیگران مبادرت به طرح کمبودها و ضعف‌هایی که در جمهوری اسلامی وجود دارد می‌کنند، گوش دادن به این سخنان و حکایت‌ها چه حکمی دارد؟

جواب: واضح است، هر عملی که موجب بدنامی چهره جمهوری اسلامی - که در برابر کفر و استکبار جهانی ایستاده است - شود، به نفع اسلام و مسلمین نیست؛ بنابراین اگر این سخنان موجب تضعیف جمهوری اسلامی باشد، جایز نیست.^۱

سؤال: آیا قبول توصیه و سفارش از فردی برای بعضی از مراجعه کنندگان، توسط کارمندان اداره‌های دولتی جایز است؟

جواب: بر کارمندان واجب است به تقاضاهای مراجعه کنندگان پاسخ داده و کارهای آنان را بر طبق قانون و مقررات انجام دهند و برای هیچ یک از آنان، قبول توصیه

و سفارش از کسی، در صورتی که مخالف قانون باشد و یا موجب ضایع شدن حق دیگران شود، جایز نیست.

عدم مراعات قوانین و مقررات

ضرورت قانون و مقررات در زندگی بشر و ناشایست بودن تخلف از قانون و عدم مراعات مقررات بر کسی پوشیده نیست. فواید و آثار بسیار زیاد قانون‌مداری و ضررها و آفات قانون‌گریزی و پای‌بند نبودن افراد جامعه به مقررات، نیز امری واضح و بدیهی است.

اسلام نیز بر ضرورت عمل به قانون و پرهیز از تخلف از آن تأکید کرده و به عنوان یک قانون کلی به نام «حفظ انتظام» و جوب آن را گوشزد کرده و مردم را از هر گونه «هرج و مرج» اجتماعی برحذر داشته است.

اکنون استفتائاتی درباره عمل به وظایف و قوانین، با بیان فتوای امام خمینی و رهبر معظم انقلاب اسلامی در پی می‌آید:

سؤال: کارمندان دولت در مواردی از مزایایی برخوردار

هستند؛ مانند داشتن دفترچه تعاونی و دفترچه خدمات درمانی و استفاده از بلیط هواپیما؛ آیا می‌توانند حق خود را به دوستان یا نزدیک‌ترین ارحام خود واگذار نمایند؟

اگر شخصی نیاز به اجناس جیره‌بندی شده ندارد، آیا می‌تواند حق خود را به دیگری واگذار نماید؟

جواب: هر عملی که بر خلاف مقررات دولت اسلامی باشد، جایز نیست.^۱

سؤال: گاهی از بعضی از مسئولین، مسئله‌ای به عنوان «ولایت اداری» شنیده می‌شود که به معنای لزوم اطاعت از دستورات مقام بالاتر، بدون حق اعتراض است. نظر جناب‌عالی در این باره چیست و وظیفه شرعی ما کدام است؟

جواب: مخالفت با اوامر اداری که بر اساس ضوابط و مقررات قانونی اداری صادر شده باشد، جایز نیست؛ ولی در مفاهیم اسلامی، چیزی به عنوان ولایت اداری وجود ندارد.^۲

۱. امام خمینی، استفتانات، ج ۲، ص ۵۴، س ۱۴۸.

۲. آیه الله خامنه‌ای، رساله اجوبه الاستفتانات، ص ۱۹، س ۶۸.

سؤال: مدیر کل آموزش و پرورش منطقه‌ای یا رئیس اداره‌ای از یکی از اعضای آن اداره می‌خواهد که کاری را انجام دهد؛ آن شخص تا چه اندازه وظیفه شرعی دارد که دستور مافوق را انجام دهد و اگر آن دستور را اطاعت نکند، چه صورت دارد؟

جواب: کارمند موظف است در امور اداری از دستورات مسئولین مربوطه، طبق مقررات دولت اسلامی اطاعت کند.^۱

تخلف از مقررات راهنمایی و رانندگی

سؤال: علی‌رغم تأکید فراوان مسئولین، برخی از رانندگان مربوط به نهادها و ادارات، با سهل‌انگاری از حدود و مقررات راهنمایی و رانندگی تخلف می‌کنند و با سرعت زیاد و سبقت بی‌جا و حرکت در مسیر ممنوع و...، موجب تصادف و قتل و جرح خود و دیگران یا تضييع بيت‌المال (در شهرها و بین شهرها) گشته، از طرف دیگر موجب بدبینی و ناراحتی مردم می‌شوند. نظر مبارک را در این باره بیان

فرمایید.

جواب: تخلف از مقررات، در هر صورت، جایز نیست و چنانچه تخلف به نحوی باشد که نوعاً در معرض وقوع تصادف باشد و موجب به وجود آمدن آن شود، خسارت‌های ناشی از تصادف را در این صورت، متخلف ضامن است.^۱

سؤال: آیا بدون داشتن گواهی‌نامه رانندگی، می‌توانیم موتور سیکلت سوار شویم؟ اگر جواب منفی است، آیا زمانی که جاهل به مسئله بودیم و سوار شده‌ایم، معصیت کرده‌ایم؟

جواب: اگر منعی از طرف دولت اسلامی نباشد، اشکال ندارد، و گرنه، تخلف از مقررات دولت اسلامی جایز نیست.^۲

سؤال: سازمان آب، نصب پمپ فشار و استفاده از آن را ممنوع اعلام کرده است؛ ولی در برخی از محله‌ها فشار آب ضعیف است و ساکنان آن مجبورند که برای استفاده از آب

۱. همان، ص ۵۴۳، س ۱۷۵.

۲. همان، ص ۵۴۲، س ۱۷۲.

در طبقات بالای ساختمان‌ها، از پمپ فشار استفاده کنند؛ با توجه به این مسئله، دو سؤال زیر را پاسخ فرمایید:

الف) آیا نصب پمپ فشار آب جهت استفاده از آب بیشتر، از نظر شرعی جایز است؟

ب) در صورت عدم جواز استفاده از پمپ فشار آب، وضو و غسل با آبی که به وسیله پمپ جذب می‌شود، چه حکمی دارد؟

جواب: در فرض سؤال، نصب و استفاده از پمپ فشار جایز نیست و وضو و غسل با آبی که به وسیله پمپ به دست می‌آید، محل اشکال است.^۱

مشاهده تخلف از مافوق

سؤال: اگر کارکنان ادارات و مؤسسات در محل کار خود، ارتکاب تخلفات اداری و شرعی را توسط مسئولین مافوق مشاهده کنند، چه وظیفه‌ای دارند؟ اگر کارمندی خوف داشته باشد که در صورت مبادرت به نهي از منکر، ضرری از طرف

مسئولین بالاتر متوجه او شود، آیا تکلیف از او ساقط است؟
جواب: اگر شرایط امر به معروف و نهی از منکر وجود داشته باشد، باید امر به معروف و نهی از منکر کنند؛ در غیر این صورت تکلیفی در آن مورد ندارند. همچنین با وجود خوف ضرر هم تکلیف از آنان ساقط می‌شود؛ این حکم در مواردی است که حکومت اسلامی حاکم نباشد. ولی با وجود حکومت اسلامی که اهتمام به اجرای این فریضه الهی دارد، بر کسی که قادر به امر به معروف و نهی از منکر نیست، واجب است که نهادهای مربوطه را که از طرف حکومت برای این کار اختصاص یافته‌اند، مطلع نماید و تا گنده شدن ریشه‌های فاسد که فساد آور هم هستند، موضوع را پی‌گیری کند.^۱

سؤال: اگر در یکی از اداره‌های دولتی اختلاس از بیت‌المال صورت بگیرد و این اختلاس استمرار داشته باشد و شخصی این توانایی را در خود ببیند که اگر مسئولیت آن

اداره را بر عهده بگیرد، می‌تواند این وضع را اصلاح کند و این کار هم فقط از طریق دادن رشوه به یکی از کسانی که مسئول آن هستند، امکان‌پذیر است؛ آیا دادن رشوه برای جلوگیری از اختلاس در بیت‌المال که در حقیقت دفع افسد به فاسد است، جایز است یا خیر؟

جواب: وظیفه اشخاصی که از تخلفات مطلع می‌شوند، نهی از منکر با رعایت شرایط و ضوابط شرعی آن است و توسل به رشوه و راه‌های غیر قانونی برای هر عملی، هر چند به منظور جلوگیری از فساد، جایز نیست؛ البته، با فرض وقوع چنین عمل خلاف شرع و قانون در کشوری که نظام اسلامی بر آن حاکم است، وظیفه مردم به مجرد عجز شخصی از امر به معروف و نهی از منکر ساقط نمی‌شود؛ بلکه واجب است که به نهادهای مربوط اطلاع داده و موضوع را پی‌گیری نمایند.^۱

۱. آیه‌الله خامنه‌ای، ترجمه اجوبه الاستفتائات، ص ۲۳۷.

خرید و فروش خلاف مقررات

سؤال: اموالی که بعضی از فروشندگان به مأموران خرید ادارات یا شرکتهای بدون آنکه آنها را به قیمت تثبیت شده اضافه کنند، به خاطر برقرار کردن ارتباط می‌پردازند، نسبت به فروشنده و نسبت به مأمور چه حکمی دارند؟

جواب: پرداخت این اموال توسط فروشنده به مأمور خرید جایز نیست و برای مأمور هم دریافت آنها جایز نیست و آنچه را که دریافت می‌کند باید به اداره یا شرکتی که مأمور خرید آن است، تسلیم کند.^۱

سؤال: آیا کارمند یا کارگر شرکت دولتی یا خصوصی که وظیفه‌اش وکالت در تأمین نیازهای اداره یا شرکت از مکانهای فروش است، می‌تواند بر کسی که کالاهای مورد نیاز را می‌فروشد، شرط کند که درصدی از سود حاصل از خرید، از آن او باشد؟ آیا دریافت این سود برای او جایز است؟ در صورتی که مسئول مافوق چنین شرطی را اجازه دهد چه حکمی دارد؟

۱. آیه‌الله خامنه‌ای، رساله اجوبه الاستفتانات، ج ۲، ص ۵۷، س ۱۶۴

جواب: این شرط از طرف کارمند صحیح نبوده و او نمی‌تواند سودی را که به نفع خود شرط کرده، دریافت کند و مسئول بالاتر هم حق اجازه چنین شرطی را نداشته و اجازه او در این باره اثری ندارد.^۱

سؤال: اگر کسی از طرف اداره یا شرکت، وکیل در خرید مایحتاج است، کالایی را که در بازار قیمت معینی دارد، به طمع دریافت کمک مالی از فروشنده به قیمت بالاتری بخرد، آیا این خرید صحیح است؟ و یا جایز است که از فروشنده به علت این کار، کمک دریافت کند؟

جواب: اگر کالا را به قیمتی بیشتر از قیمت عادلانه بازار بخرد و یا خریداری و تهیه آن از بازار به قیمت کمتر برای او امکان داشته باشد، اصل عقدی که به قیمت بالاتر منعقد کرده، فضولی است و متوقف بر اجازه مسئول قانونی مربوطه است و به هر حال حق ندارد از فروشنده به خاطر خرید از او، چیزی برای خودش بگیرد.^۲

۱. همان، س ۱۶۵

۲. همان، س ۱۶۶

سؤال: اگر فرد شاغل در اداره‌ای (اعم از خصوصی یا دولتی) که وظیفه او تهیه جنس می‌باشد، علیرغم وجود مراکز مختلف، به آشنا مراجعه و شرط کند که اگر کالا را از تو خریداری کنم، درصدی از سود حاصله را شریک خواهم بود: ۱. این شرط شرعا چه حکمی دارد؟

۲. در صورت وجود مجوز رئیس یا مسئول بالای تشکیلات در این خصوص حکم شرعی آن چیست؟

۳. اگر قیمتی بیش از آنچه جنس مذکور در عرف بازار دارد، توسط طرف قرارداد به اداره پیشنهاد و قرارداد منعقد گردد، چه حکمی دارد؟

۴. پرداخت سهمی که بعضی از فروشندگان به مأمور خرید ادارات علیرغم قیمت مندرج در فاکتور می‌دهند، چه حکمی برای فروشنده و چه حکمی برای مأمور خرید دارد؟

۵. اگر فرد مذکور، علاوه بر مسئولیت در اداره، بازاریاب شرکتی هم باشد و در خرید اجناس اداره، برای آن شرکت بازاریابی نماید، آیا می‌تواند درصدی به عنوان سود از آن شرکت دریافت نماید؟

یا مسئول بالای تشکیلات در این باره به لحاظ اینکه فاقد
وجاهت شرعی و قانونی است فاقد اعتبار می‌باشد.

اگر بیش از قیمت عادلانه بازار باشد، و به کمتر از آن
بتوان جنس را از بازار تهیه نمود، در این صورت اصل
قراردادی که منعقد شده نافذ نیست.

جایز نیست، و هر چه که مأمور خرید در این رابطه
دریافت دارد به اداره مربوطه‌ای که از طرف آن مأمور
خرید بوده، تحویل دهد.

حق دریافت هیچ درصدی ندارد، و هر چه دریافت کند
باید به اداره مربوطه تحویل دهد و اگر قراردادی که منعقد
می‌سازد خلاف غبطه و مصلحت اداره باشد از اساس باطل
است.

دریافتهای غیر مشروع را باید به اداره مربوطه‌ای که از
طرف آن مأمور خرید بوده، تسلیم نماید.^۱

سؤال: بعضی از افراد با داشتن لوازم خانگی و یا نداشتن،

از بسیج اقتصادی جنس را دریافت و پس از آن، در بازار آزاد، با سود بسیار به فروش می‌رسانند؛ سودی که از این بابت عاید افراد می‌شود، چه حکمی دارد؟

جواب: تخلف از مقررات دولت اسلامی، جایز نیست.^۱

سؤال: دولت جمهوری اسلامی، خرید و فروش زمین را ممنوع اعلام کرده است و از یک طرف هم امام می‌فرماید که خلاف مقررات دولت اسلامی، جایز نیست؛ در این صورت، آیا خرید و فروش زمین، جهت احتیاج حرام است یا نه؟

جواب: تخلف از مقررات دولت اسلامی، جایز نیست.^۲

سؤال: اجناسی را که دولت جمهوری اسلامی به طور سهمیه به افراد واگذار می‌کند و قیمت آن را نیز مشخص می‌کند، آیا این افراد می‌توانند بیشتر از قیمت تعیین شده بفروشند و اگر بیشتر بفروشند، حکمش چیست؟

جواب: تخلف از مقررات جمهوری اسلامی، جایز

نیست.^۳

۱. امام خمینی، استفتانات، ج ۲، ص ۵۵، س ۱۵۰.

۲. همان، ص ۴۸۶، س ۶.

۳. همان، ص ۴۹۴، س ۳۲.

خرید و فروش اجناس قاچاق

سؤال: اگر کسی در بازار مسلمین به خرید و فروش اجناس خارجی، نظیر شلوار، پیراهن، عطریات و امثال آن از طریق جنوب کشور، توسط مرزنشینان یا کسانی که شغل خود را خرید و حمل این گونه اجناس از بنادر شهرهای مرزی به شهرهای مجاور و مرکزی قرار داده‌اند، مبادرت ورزد، شرعاً جایز است یا خیر؟ آیا چنین فروشنده‌ای موظف است تحقیق کند جنسی را که برای او آورده‌اند، از طریق دولت وارد کشور شده یا خیر و نیز اگر کسی جنسی در بازار آزاد بخرد و به او بفروشد، آیا او می‌تواند بدون تحقیق و با توجه به این که این جنس در بازار آزاد خریداری شده، اقدام به خرید و فروش آن بنماید یا نه و نیز آیا موظف است تحقیق کند که مالیات گمرکی این جنس پرداخت شده یا خیر؟

جواب: بر فروشنده، تحقیق لازم نیست و مجاز در خرید و فروش است؛ مگر آن که از طرف دولت اسلامی ممنوع اعلام شود.^۱

سؤال: اجناسی که به صور قاجاق از خارج وارد می شود و در بازار به فروش می رسد، آیا خرید این قبیل اجناس (پوشیدنی، تزئیناتی و غیره)، از نظر شرع اشکال دارد یا نه؟

جواب: اگر دولت اسلامی مقرراتی در آن دارد، باید مراعات شود و اگر مزاحمتی ندارد، خرید و فروش در بازار مانع ندارد.^۱

۹. مسائل بانکی

سؤال: آیا عوض کردن پول کشوری غیر از پول جمهوری اسلامی ایران، مثل روپیه، در بازار سیاه، با پول جمهوری اسلامی ایران، جایز است یا خیر؟

جواب: باید طبق مقررات عمل شود و تخلف جایز نیست.^۲

سؤال: خریدن پول خارجی از افرادی که وارد ایران می شوند، با توجه به وضعیت فعلی جمهوری اسلامی، چطور است؟

جواب: هرگونه معاملات ارز و صرف، باید با مقررات دولت اسلامی باشد.^۳

۱. همان، ص ۴۵، س ۱۲۶.

۲. همان، ص ۵۹، س ۱۶۴.

سؤال: همان طور که مستحضر می‌باشید، بعضی از بانک‌ها سکه‌های طلا به معرض فروش گذشته‌اند و عده‌ای هم می‌خرند؛ آیا خرید و فروش این گونه سکه‌ها به قیمتی بیشتر از قیمت دولتی صحیح است؟

جواب: بستگی به مقررات دولت اسلامی دارد.^۱

۱۰. مالیات و عوارض

سؤال: حضرت عالی فرموده بودید که کلیه قوانین غیراسلامی گذشته لغو است؛ بنابراین، دریافت عوارض توسط شهرداری‌ها که کماکان عمل می‌شود، چه صورت دارد؟

جواب: مراعات مقررات دولت اسلامی، لازم است.^۲

سؤال: اکثر شرکت‌ها و تجار بازار، در رژیم منفور سابق به وسیله افرادی حساب باز می‌کردند و دفاتر غیرقانونی و غیرشرعی خود را در لباس قانون و شرع ارائه می‌دادند تا بتوانند مالیات کمتری بپردازند (و یا اصلاً هیچ نوع مالیاتی به دولت ندهند) که البته به لحاظ شرعی مدعی بودند که چون

۱. همان، ج ۳، ص ۴۹۵، س ۳۸.

۲. همان، ص ۴۹۴، س ۳۴.

رژیم طاغوتی است، نباید تقویت شود؛ ولی متأسفانه اکنون که دولت اسلامی شده، باز این روش توسط بعضی اجرا می‌گردد. باتوجه به این که این عمل در حال حاضر حرام و خلاف قانون است و باید واقعیت ثبت شود و حق دولت پرداخت گردد، استدعا دارد حکم شرعی را بیان فرمایید.

جواب: مراعات قوانین و مقررات دولت اسلامی، لازم است و ارائه عمل غیرقانونی و غیرشرعی، در لباس قانون و شرع، جایز نیست.^۱

سپرده‌گذاری به قصد دریافت سود

سؤال: سپرده‌گذاری در مؤسسه مالی و اعتباری یا بانک به قصد بکارگیری در یکی از عقود اسلامی بدون تعیین دقیق سهم سود سپرده‌گذار، به این شرط که مؤسسه یا بانک هر شش ماه سهم او را بپردازد، شرعاً چه حکمی دارد؟

جواب: اگر سپرده‌گذاری به این صورت باشد که سپرده‌گذار، همه اختیارات حتی انتخاب نوع فعالیت و تعیین سهم سپرده‌گذار از سود هم به عنوان وکالت در اختیار

مؤسسه یا بانک باشد، این سپرده‌گذاری و سود حاصل از بکارگیری پول در معامله حلال و از نظر شرعی اشکال ندارد و بی‌اطلاعی صاحب مال از سهم خود در زمان سپرده‌گذاری ضرری به صحت آن نمی‌زند.^۱

۱۱. انفال و اموال عمومی

سؤال: شغل ما دامداری است. ما چهارپایان خود را در یکی از جنگل‌ها می‌چرانیم و بیشتر از پنجاه سال است که به این کار مشغول هستیم؛ سندی نزد ما وجود دارد که دلالت می‌کند که ما از طریق ارث، مالک شرعی این جنگل هستیم. سند مزبور هم یک سند قانونی است و به علاوه، این جنگل‌ها، وقف امیرالمؤمنین و سیدالشهداء و ابوالفضل العباس (علیه السلام) است و دامداران، سالیانی است که در این جنگل‌ها زندگی می‌کنند و خانه‌های مسکونی و زمین‌های زراعی و بستان دارند. اخیراً جنگل بانان تصمیم گرفته‌اند ما را از آن اخراج نموده، بر آن مسلط شوند؛ آیا آنان حق اخراج ما را از این جنگل دارند؟

جواب: از آن جایی که شرعاً صحت وقف متوقف بر سابقه ملکیت شرعی است، همان گونه که از طریق ارث هم متوقف بر مالکیت شرعی مورث است، لذا جنگل‌ها و چراگاه‌های طبیعی که تا به حال ملک کسی نبوده است و هیچ گونه سابقه احیا و آباد کردن در آنها وجود ندارد، ملک اختصاصی کسی محسوب نمی‌شود تا وقفیت آن صحیح باشد یا از طریق ارث انتقال یابد. به هر حال، هر مقدار از جنگل که به صورت مزرعه یا مسکن و مانند آن احیا شده و ملک شرعی گردیده، اگر وقف باشد، حق تصرف در آن با متولی شرعی آن است و اگر وقف نباشد، حق تصرف در آن با مالک آن است و اما آن مقدار از جنگل و مراتع که به صورت جنگل طبیعی یا مرتع طبیعی باقی مانده است، از انفال و اموال عمومی است و اختیار آن براساس مقررات قانونی، با دولت اسلامی است.^۱

منابع:

۱. اجوبة الاستفتائات، حضرت آيت الله سيد علي خامنه‌اي، انتشارات بين المللي الهدى
۲. اصول كافي
۳. وسائل الشيعه
۴. استفتائات، امام خميني (قدس سره)
۵. بحار الانوار
۶. جامع الاخبار
۷. مجله آشنا، شماره ۱۳۶ - ۱۳۸۵
۸. روزنامه جمهوري اسلامي، مورخ ۸۲/۵/۲۰، ش ۶۹۸۳
۹. در پي حق، مهندس مجتبي نوراھان
۱۰. صحيفه امام
۱۱. صحيفه نور
۱۲. عوالي اللثالي
۱۳. مجله حوزه، ش ۷، سال دوم
۱۴. مجله مبلغان، شماره ۵۲، فروردين ۱۳۸۳
۱۵. مجمع الفوائد و البرهان
۱۶. مستدرک
۱۷. تفسير نور الثقلين
۱۸. نهج البلاغه
۱۹. نهج الفصاحه
۲۰. وصيت نامه امام خميني رحمه الله
۲۱. هفته نامه بصير، نشریه داخلی مدارس حوزه‌های علمیه، ۱۳۸۵، سال ۱۳، شماره ۲۰